
صحیفه مودت
شیوه های ارتباط با اهل بیت
علی باقر شیخانی

بسم الله الرحمن الرحیم

# صحیفه مودت: شیوه های ارتباط با اهل بیت علیهم السلام


نویسنده:

علی باقر شیخانی



ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

## صحیفه مودت: شیوه‌های ارتباط با اهل‌بیت علیهم‌السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه : شیخانی، علی‌باقر، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : صحیفه مودت: شیوه‌های ارتباط با اهل‌بیت علیهم‌السلام/ علی‌باقر شیخانی؛ [برای] حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۹۵ص؛ ۲۲×۱۱ س‌م.

شابک : ۶۵۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۲۲-۶

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۸۹] - ۹۵.

عنوان دیگر : شیوه‌های ارتباط با اهل بیت علیهم السلام.

موضوع : دوستی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع : تولی و تبری

موضوع : چهارده معصوم

شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

رده بندی کنگره : BP۱۹۶/۶۵/ش۸۶ص۳ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۲۸۲۳۶

ص: ۱

### اشاره

## دیباچه

عشق به اولیـای خـدا و ارتبـاط با آنها، تنها دلیل حیات و بالنـدگی دین و ایمان است. ایمان بـدون این عشق و باورداشت، بی‌روح و بی‌مایه است.

عشق به اولیای خدا، نه اینکه از دین، بلکه تمام دین است. از این رو، لازم است این حقیقت را عینی و ملموس کرد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وَ جَعَلْنا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَ فَلَا یُؤْمِنُونَ

«و از آب همه چیز را حیـات بخشـیدیم.»(انبیاء: ۳۰) کویر خشـکیده گزاف می‌گویـد آن دم که دم از زنـدگی و شادابی می‌زنـد. یا معنای حیات را نمی‌داند و زندگی را نمی‌شـناسد یا خود و دیگران را به سـخره گرفته است. در حقیقت آن آب حیاتی که به جامعه طراوت و زندگی می‌دهد، عشق به اولیای خداست.

ممکن است بدون مودت این سرچشمه‌های حیات

کسانی زنده باشند، ولی زندگی نمی‌کنند. میان زنده بودن و زندگی کردن تفاوت بسیار است، کسی که مرگ مغزی شد، مشاعرش از کار افتاده است، دفنش نمی‌کنند ولی نمی‌گویند زندگی می‌کند. حیات بدون عشق به اولیای خدا هم نوعی ابتلا به مرگ مغزی است.

اثری که پیش رو دارید، اثری وزین از حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای علی باقرشیخانی است که شیوه‌های ارتباط با اهل بیت(ع) را جهت تحکیمِ رابطه حیات با حیات‌بخشان تبیین می‌کند. امیدواریم برای همه مطالعه‌کنندگان مفید واقع شود و روزی به کارمان آید که جز محبت و مودّت اهل بیت(ع) پناهگاهی نخواهد بود.

انه ولی التوفیق

گروه اخلاق و اسرار

مرکز تحقیقات حج

## پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا

پیوند معنوی با ساحت مقدس انبیای الهی، به ویژه پیامبر خاتم(ص) و خاندان مطهرش و عشق آنان را در دل پروراندن و شمیم جان را به بوی دلاویز آنان معطر ساختن، بسی ارزشمند است. خوشا ذکر و یادشان را زمزمه کردن، در داغ فراقشان اشک حسرت فشاندن و سر بر آستان ارادت آنان ساییدن. چه زیباست مطیع امر و نهی آنان بودن، قلب و جان را به ضریح پاک آنان گره زدن، در انتظار عصاره خلقت از میان آنان بودن و همه توان خود را برای یاری ایشان آماده نگه‌داشتن و لحظه‌ای از اندیشه اصلاح خود و جامعه، برای پیوستن به دادگستر جهان، خالی نبودن.

این امور، بسی دشوار و ارزشمند است و نیازمند

شناخت و پاسداشت، تا در این راه، به افراط و تفریط که دام شیطان است، گرفتار نیاییم که نشناختن راه و راهبر، خود، بی‌راهه رفتن است.

آنچه در پی می‌آید، بررسی شیوه‌های ارتباط با اهل‌بیت(ع)، نتایج چنین ارتباطی، موانع و شناخت آسیب‌های این مسیر است. باشد که مقبول طبع رهروان مسیر الهی قرار گیرد.

# فصل اول ارتباط عاطفی

## اشاره

اولین پیوند و ارتباط با امامان معصوم(ع)، پیوند عاطفی با آنان است. از این‌رو، توضیحی کوتاه درباره این نوع ارتباط داده می‌شود. سپس به ضرورت ارتباط عاطفی، آثار و فواید، موانع و آسیب‌های آن خواهیم پرداخت.

## ۱. منظور از ارتباط عاطفی

از ویژگی‌های انسان در برابر دیگر جانداران، برخورداری از احساس و عاطفه است؛ بدین معنا که وی، در برابر رنجی که دیگران می‌برند، محزون می‌گردد و هنگامی که در دل دیگران شادی می‌آفرینند، مسرور می‌گردد. این احساس نوع دوستانه، گاه آن‌چنان در انسان شدت می‌گیرد که به سرحد عشق می‌رسد. ازاین‌رو، مقصود از پیوند عاطفی در اینجا، دوست‌داشتن و عشق

ص: ۱۲

ورزیـدن به پاکـان امت است؛ همـان عشق و محبتی که خداونـد در آیـات قرآن، پیامبر و اهل بیت او را به جهت برخورداری از آن ستوده است و درباره رسولش می‌فرماید:

لَقَدْ جاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ(التوبه: ۱۲۸)

قطعاً، برای شـما پیامبری از خودتان آمـد که بر او دشوار است شـما در رنـج بیفتیـد، به [هـدایت] شـما حریص، و نسـبت به مؤمنان، دلسوز و مهربان است.

و همچنین به سـبب ایثاری که اهـل بیت رسولش(ع) در بخشـش مـال به بیچـاره و یـتیم و اسـیر نمودنـد و خود سه شـبانه‌روز چیزی نخوردند، آنان را مورد تمجید قرار داده، می‌فرماید:

وَ یُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَ یَتِیماً وَ أَسِیراً(۸)

إِنَّمَا نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزَاءً وَ لَا شُکُوراً(۹)

الإنسان ۸، ۹

و غـذای [خود] را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارنـد، به «مسـکین» و «یتیم» و «اسـیر» می‌دهنـد و می گویند: ما شـما را به خاطر خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.

و در مقابل، از مردم نیز خواسته است که با پیامبر(ص)

که این‌چنین به آنان عشق می‌ورزد و تاب تحمل رنج‌های آنان را ندارد عشق بورزند و پیوند عاطفی با او و خاندانش برقرار نمایند. ازاین‌رو، خداوند به پیامبر خاتم(ص) وحی کرد که به مردم بگوید:

اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار این باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند. (۱)

در این آیه، خداوند به کسانی که عشق و علاقه به زن، فرزند، پدر، برادر، مال و زندگی را بر عشق و علاقه به خدا و رسولش ترجیح می‌دهند، وعده عذاب داده است؛ یعنی عشق و علاقه به خدا و رسول بر همه چیز برتری دارد. در آیه‌ای دیگر، خداوند آشکارا عشق و مودّت نسبت به خاندان پیامبر(ص) را مزد رسالت دانسته است:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الشوری، ۲۳

[ای پیامبر] بگو: من هیچ پاداشی از شما بر انجام

---

۱- توبه: ۲۴.

رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز اینکه نزدیکانم [اهل بیتم] را دوست بدارید.

ابن عباس می‌گوید:

لَمّا نَزَلَتْ هَذِهِ الآیَهُ قِیلَ یا رَسُولَ اللهِ مَنْ قَرَابَتُکَ هَؤُلاءِ الَّذِینَ وَجَبَتْ عَلَیْنا مَوَدَّتُهُمْ فَقالَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ ابْنَاهُم. (۱)

هنگامی که این آیه نازل شد، از پیامبر(ص) پرسیدند: نزدیکانت که مودّت و محبت آنان بر ما واجب شده است، چه کسانی هستند؟ فرمود: علی، فاطمه و دو فرزند آنان.

در جای دیگر رسول خدا(ص) فرمود: «اولین چیزی که [در روز قیامت] از بنده می‌پرسند، دوستی ما اهل بیت است». (۲)

همچنین فرمود:

هیچ بنده‌ای ایمان [واقعی] ندارد، مگر اینکه من نزد او از خودش محبوب‌تر باشم و فرزندانم در نزدش

---

۱- جارالله زمخشری، تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۲۰؛ محمد بن عمر فخر رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۱۶۸؛ رشید الدین ابوالفضل میبدی، تفسیر کشف الاسرار، ج ۹، ص ۲۳؛ صدیق حسن خان قنوجی، تفسیر فتح البیان، ج ۸، ص ۳۱۱؛ محمد بن محمد ابی السعود، تفسیر ارشاد عقل السلیم، ج ۶، ص ۱۶؛ اسماعیل حقی برسوی، تفسیر روح البیان، ج ۸، ص ۳۱۱؛ تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۱۵.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۶۰.

از فرزندان او و عترتم از عترتش و شخص من از خود او و در نزدش محبوب‌تر باشد. (۱)

## ۲. راه‌های ایجاد و تقویت ارتباط عاطفی

### اشاره

ارتباط عاطفی با امامان معصوم و تقویت عشق و محبت نسبت به آنان راه‌های متعددی دارد؛ از جمله:

### الف) شناخت امامان معصوم (ع)

از راه‌های تقویت پیوند عاطفی با پیامبر و اهل بیت پاک او(ع)، آشنایی با سیره و شخصیت آنان است و بدون چنین معرفتی، عشق و محبتی پدیـد نمی‌آید. بنابراین، اگر از عشق و محبت به امامان معصوم(ع) سـخن به میان می‌آید، منظور عشق همراه با معرفت است؛ زیرا این نوع پیونـد، ماندگار و بر سراسـر وجود عاشق تأثیرگذار خواهد بود و نقش بسـیاری در سازندگی و تعالی اخلاق و رفتار او دارد وگرنه محبت‌ورزی بدون شناخت امکان ندارد همان‌گونه که گفته‌اند:

«الْمَحَبَّةُ ثَمَرَةُ الْمَعْرِفَةِ لأنَّ مَنْ لا یَعْرِفُ لا یُحِبّ» (۲)

؛ «محبت میوه شناخت است و کسی که شناخت ندارد محبت نخواهد داشت».

و همچنین گفته‌اند: خضوع و اطاعت صمیمانه و

---

۱- محمد محمدی ری‌شهری، اهل البیت فی الکتاب والسنه، ص ۴۰۲.

۲- غلامحسین ابراهیمی دینانی، دفتر عقل و آیت عشق، ج ۳، ص ۳۹.

خالصانه و صادقانه، لازمه محبت است و عشق حقیقی، زاده عرفان کامل است و عرفان کامل، نتیجه اندیشه درست است. (۱) مقصود از این معرفت، شناخت شناسنامه‌ای نیست، بلکه مراد، پی‌بردن به شخصیت والای آنان نزد خداوند و شناخت حقوق آنان و وظایف خود در برابر آنان و همچنین شناخت فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و تلاش آنان برای اعتلای مکتب و خدمت به خلق خداست. چنین شناختی است که سبب عشق و علاقه به آنان شده و زمینه همسو شدن با آنان در جهت فداکاری برای مکتب را فراهم می‌آورد.

### ب) نام امامان معصوم (ع) الگوی نام‌گذاری‌ها

هرگاه کسی به دیگری، بسیار علاقه‌مند باشد، بر آن خواهد بود که با کوچک‌ترین بهانه‌ای نام او را بر زبان جاری سازد؛ زیرا عاشق حتی از نام معشوق نیز لذت می‌برد. ازاین‌رو، انسان‌ها، مکان‌ها و مراکز مهم را به نام شخصیت‌های محبوب نام‌گذاری می‌کنند تا نام و یاد شخصیت مورد نظر، همواره ماندگار باشد. به همین جهت، یکی از راه‌های ابراز علاقه به ائمه اطهار(ع)،

---

۱- محمود شهابی، زندهٔ عشق، ص ۱۵۳.

برگزیدن نام فرزندان از میان نام‌ها، القاب و کنیه آنان می‌باشد.

پیامبر اکرم(ص) فرمود:

«سَمُّوا اوْلادَکُمْ اسْمَاءَ الانْبِیاء» (۱)؛

«فرزندان خود را به اسم پیامبران، نام‌گذاری کنید».

ربعی بن عبدالله می‌گوید: شخصی به امام صادق(ع) عرض کرد: فدایت شوم، ما فرزندان خود را به اسامی شما و پدرانتان نام‌گذاری می‌کنیم، آیا چنین کاری فایده‌ای برای ما دارد؟ حضرت فرمود: آری، به خدا قسم، مگر دین، چیزی غیر از حب و دوستی است؟! آن‌گاه امام به آیه شریفه استشهاد کردند:

قُلْ إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ

آل‌عمران، ۳۱

بگو اگر خدای را دوست دارید، از من اطاعت کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد. (۲)

امام حسین(ع) به پدرش، امیرمؤمنان علی(ع) علاقه‌بسیار داشت. از این‌رو، همه فرزندان پسر خود را علی نام نهاد. امام سجاد(ع) در این باره می‌فرماید:

پس از آنکه معاویه، مروان بن حکم را حاکم مدینه

---

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۲.

۲- همان، ص ۱۳۰.

کرد، نزد وی رفتم. به من گفت: اسم تو چیست؟ گفتم: علی بن حسین، پرسید: اسم برادرت چیست؟ گفتم: علی. پرسید: دو اسم به نام علی؟ پدرت هیچ یک از فرزندانش را رها ننمود مگر اینکه اسم علی را بر آنان گذاشت. نزد پدرم برگشتم و سخن وی را برای پدرم بازگو کردم ایشان فرمود: وای به حال پسر زن کبودچشم(مروان)! اگر برای من صد پسر بود، دوست داشتم آنان را جز علی ننامم. (۱)

### ج) هدیه دادن در راه امامان معصوم (ع)

یکی دیگر از راه‌های ابراز علاقه و پیوند عاطفی با امامان معصوم(ع)، فرستادن هدیه برای آنهاست و بهترین هدیه برای انبیای الهی، به ویژه آخرین پیامبر(ص) و فرزندان پاکش، فرستادن درود و صلوات بر آنان است. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «هر کجای زمین هستید بر من صلوات بفرستید؛ زیرا صلوات شما به من رسانده می‌شود». (۲)

### د) دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان معصومان (ع)

کسی که به دیگری علاقه‌مند است، همواره در پی خشنود کردن اوست و سعی می‌کند کار دلخواه او را انجام

---

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۶، ص ۱۹، ح ۷.

۲- رشیدین ابوالفضل میبدی، تفسیر کشف الاسرار، ج ۸، ص ۸۵.

دهد و از کاری که او خوش ندارد، پرهیز کند. دوستان او را دوست دارد و از دشمنانش بیزار است. دوستی با اهل بیت(ع) نیز چنین است؛ یعنی لازم است برای پیوند دوستی، خود را از پلیدی‌ها پاک کرد و با دوستداران آنها دوستی و از دشمنانشان بیزاری جست.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «کسی که دوستداران ما را دوست بدارد، ما را دوست داشته است». (۱)

امیرمؤمنان علی(ع) نیز می‌فرماید:

دوستی ما با دوست داشتن دشمن ما، در دل یک انسان یکجا جمع نمی‌شود؛ زیرا خداوند در باطن هر کس دو قلب ننهاده است. از این‌رو، وقتی این را دوست داشت، مخالفش را دشمن می‌دارد. بنابراین دوستداران ما، در محبت به ما، اخلاص دارند و چیزی با آن آمیخته نیست. همچنان که طلا با آتش خالص می‌گردد و چیزی با آن آمیخته نیست. پس اگر کسی می‌خواهد بداند که آیا تنها ما را دوست دارد، قلبش را بیازماید. اگر در محبت‌ورزی، دشمنان ما نیز سهمی از حبّ وی می‌برند، بداند او از ما نیست و ما از او نیستیم. (۲)

---

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۴.

۲- اهل البیت فی الکتاب و السنهٔ، ص ۴۱۴.

در زیارت‌نامه آنان می‌خوانیم:

من، شما و دوستدارانتان را دوست دارم و با دشمنان شما دشمنی دارم و با آنها عداوت می‌ورزم. هر کسی که تسلیم امر شماست، با او در مسالمت خواهم بود و کسی که به جنگ شما برخیزد با او در جنگ خواهم بود. (۱)

چنین ابراز دوستی و دشمنی پیروی از سنت رسول خدا است؛ زیرا در روایت آمده است:

إِنَّ رَسُول اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نَظَرَ إِلی عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ صَلواتُ اللهِ عَلَیْهِم فَقالَ: انَا حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ وَ سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُم. (۲)

رسول خدا(ص) به علی و فاطمه و حسن و حسین نگریست و فرمود: من با کسی که به جنگ شما برخیزد در جنگ خواهم بود و هر کسی که تسلیم امر شماست، با او در مسالمت خواهم بود.

### ه) شرکت در مجالس منسوب به اهل بیت (ع)

همانند بودن محب با محبوب، از مهم‌ترین نشانه‌های محبت است. عاشق واقعی هرگاه معشوقش

---

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، ص ۹۰۴.

۲- نور الدین علی هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۹.

را در سختی ببینند، رنج می‌برد. اگر خاری در دست او فرو رود، گویی بر چشم وی فرو نشسته است و هرگاه او را در شادی ببینند، شاد می‌گردد. امام صادق(ع) شیعیان واقعی اهل بیت(ع) را چنین توصیف کرده است:

شیعیان ما هم‌چون جزئی از خود مایند که از طینت ما آفریده شده‌اند. بدین جهت، آن چه سبب اندوه و غم ما گردیده، آنان را غمگین کرده و آنچه ما را خوشحال کند، موجب خوشحالی آنان است. (۱)

به همین جهت است که بر سوگواری در عزای آنان به‌ویژه امام حسین(ع) تأکید فراوان شده است.

امام صادق(ع) می‌فرماید:

مَنْ انْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ(ع) بَیْتاً مِنْ شِعرٍ فَبَکی وَ ابْکی عَشَرَةً فَلَهُ وَ لَهُمُ الْجَنَّةُ فَلَمْ یَزَلْ حَتّی قالَ وَ مَنْ انْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ(ع) شِعْراً فَبَکی وَ اظُنُّهُ قَالَ اوْ تَبَاکی فَلَهُ الْجَنَّهْ. (۲)

کسی که درباره حسین(ع) یک بیت شعر بسراید و خود بگرید و ده نفر را بگریاند، بهشت بر همه آنان واجب می‌گردد تا آنجا که امام صادق(ع) فرمود:

---

۱- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۴.

۲- محمد بن علی بن بابویه(شیخ صدوق)، ثواب‌الأعمال، ص ۸۵.

حتی اگر بگرید یا خود را به گریستن بزند، بهشت بر او واجب می گردد.

## ۳. آثار و نتایج ارتباط عاطفی

### اشاره

ارتباط عاطفی با پاکان، به ویژه خانـدان پاک پیامبر(ص)، آثار بسـیاری در بردارد که به خود محب برمی گردد. ازاین‌رو، خداوند از سویی به پیامبر دسـتور می‌دهـد به مردم بگویـد که مزد رسالتش دوستی خانـدان من است از سوی دیگر به پیامبر می‌فرمایـد به آنان بگوید که سود این دوست داشتن به خود آنان می‌رسد:

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ سبإ، ۴۷

بگو آنچه از اجر که از شما خواستم به سود خودتان است و گرنه مزد من بر خداوند است.

اکنون با شمردن برخی از این نتایج، به توضیح آنها می‌پردازیم:

### الف) رشد و تربیت فرد

از فواید دوستی با اهل بیت(ع)، گام برداشـتن در مسـیر آنان و در نتیجه، رسـیدن به رشد و کمال است؛ زیرا آنان در رفتار و گفتار، آینه تمام‌نمای حق هستند. استاد مطهری در این باره می‌نویسند:

محبت به سوی مشابهت و مشاکلت می‌راند و قدرتِ آن سبب می‌شود که محب به شکل محبوب درآید. محبت مانند سیم برقی است که از وجود محبوب به محب وصل گردد و صفات محبوب را به وی منتقل سازد. (۱) از این رو، محبت پیغمبر و محبت امیرالمؤمنین و محبت هر کاملی، بزرگ‌ترین عامل اصلاح و تربیت انسان است. فلسفه محبت اولیا این است. (۲)

### ب) تحولات اجتماعی

پیوند عاطفی با اهل بیت(ع) و حرکت‌های اجتماعی آنان، به ویژه پیوند با قیام امام حسین(ع) در برابر جور و ستم یزید و آشنایی با واقعه جانسوز عاشورا، در طول تاریخ همواره عامل خیزش پیروان او علیه طاغوت‌ها و ستمگران بوده است. برای مثال، قیام‌های توابین، مختار، زید شهید، سربداران و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و استقامت مردم مظلوم لبنان به رهبری حزب‌الله در برابر اشغالگران صهیونیست را می‌توان نمونه‌ای از این نوع تأثیرپذیری دانست. امام خمینی(ره) در این باره

---

۱- مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی(ع)، ص ۶۶.

۲- تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۹۱.

می گوید:

تمام این وحـدت کلمه‌ای که مبـدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. (۱)

### ج) ماندگاری مذهب و مکتب

ارتباط عاطفی و عاشـقانه با پیشوایانی که همه هستی خود را در راه اعتلای مکتب نثار کردنـد، روحیه فـداکاری و ایثار را در پیروان زنده می کند، تا بدان‌جا که از جانفشانی در راه مذهب دریغ نمی‌ورزند. امام خمینی در این‌باره می‌فرماید:

بایـد محرم و صـفر را به ذکر مصـائب اهل بیت(ع) زنـده نگه داریم که با ذکر مصائب اهل بیت(ع) این مـذهب تا حالا زنـده مانـده است. (۲)

شهید مطهری در این‌باره می‌نویسد:

هر مکتبی اگر چاشـنی از عاطفه نداشته باشد و صرفاً مکتب و فلسفه و فکر باشد، آن‌قدرها در روح‌ها نفوذ ندارد و شانس بقا ندارد، ولی اگر

---

۱- صحیفهٔ نور، ج ۱۷، ص ۶۰.

۲- همان، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

ی

ک مکتب، چاشنی از عاطفه داشته باشد این عاطفه به آن حرارت می‌دهد. معنا و فلسفه یک مکتب، آن مکتب را روشن می‌کند، به آن مکتب منطق می‌دهد، آن مکتب را منطقی می‌کند. بدون شک، مکتب امام حسین منطق و فلسفه دارد، درس است و باید آموخت. اما اگر ما دائماً این مکتب را صرفاً به صورت یک مکتب فکری بازگو کنیم، حرارت و جوشش آن گرفته می‌شود و کهنه می‌گردد ... چاشنی عاطفی، ذکر مصیبت حسین بن علی(ع) یا امیرالمؤمنین یا امام حسن یا ائمه دیگر(ع) و یا حضرت زهرا(س) است، این چاشنی عاطفه را ما باید حفظ و نگهداری کنیم. (۱)

### د) اطاعت و پیروی

کسی در ادعای عشق و علاقه صادق است که گفتار او، با کردارش هماهنگ باشد، وگرنه ادعای صرف راه به جایی نمی‌برد. امام صادق(ع) درباره مدعیان دوستی حضرت حق(جل و علا) فرمود:

---

۱- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۵۷.

تَعصی الإلَهَ وَ انتَ تُظهِرُ حُبَّهُ هذا مُحالٌ فی الفِعالِ بَدیعٌ

لو کانَ حُبُّکَ صادقاً لَاَطَعْتَهُ انَّ المُحِبَّ لِمَن یُحِبُّ مُطیعٌ (۱)

خداونـد را نافرمانی می‌کنی و اظهار دوستی‌اش می نمایی؟! چنین چیزی(جمع میان حب و سرپیچی) محال است و رفتاری شگفت است. اگر دوستی‌ات راستین بود، اطاعتش می‌کردی؛ زیرا که دوستدار، مطیع کسی است که او را دوست می‌دارد.

امام باقر(ع) به جابر چنین فرمود:

ای جابر! آیا برای کسـی که ادعای تشـیع و پیروی ما را دارد، همین انـدازه بس است که تنها از محبت ما اهل بیت دم زنـد؟ به خـدا سوگند شیعه ما نیست جز آن کسی که از خدا پروا نماید و او را اطاعت کند و جز به فروتنی و خشوع و امانت و ذکر فراوان خدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و مراعات همسایگان فقیر و مستمند و قرض‌داران و یتیمان و راستی گفتار و تلاوت قرآن و بازداشتن زبان از مردم و جز به نیکی به آنها و امانت‌داری در طایفه شناخته نشود.

جابر گفت: «ای پسر رسول خدا(ص) ما امروز کسی را

---

۱- سید جواد مصطفوی، ترجمه و شرح اصول کافی، ج ۳، ص ۱۱۸.

که دارای چنین صفاتی باشد، نمی‌شناسیم».

امام(ع) فرمود:

ای جابر! اندیشه‌ها و افکار گوناگون، تو را نفریبد. از تو پرسشی دارم: آیا برای یک شخص کافی است که فقط بگوید که من علی(ع) را دوست دارم و از او پیروی می‌کنم، ولی به همراه این ادعا فعالیت دینی ننماید؟ و اگر بگوید من رسول خدا(ص) را دوست دارم(با اینکه رسول خدا(ص) بهتر از علی(ع) است) ولی از او پیروی ننماید و به سنتش عمل نکند، محبتش به پیغمبر به او هیچ سودی ندهد. بنابراین از خدا پروا کنید و برای آنچه در نزد خداست عمل نیک کنید. خدا با هیچ کس خویشاوندی ندارد و محبوب‌ترین بندگان خدای عزوجل، کسی است که باتقواترین و مطیع‌ترین آنها باشد. ای جابر! جز با اطاعت از خدای تعالی نمی‌توان به او تقرب جست و همراهی ما، برات آزادی از دوزخ نیست و هیچ کس بر خدا حجت ندارد. هر که مطیع خدا باشد، دوست ماست و هر کسی که نافرمانی خدا کند، دشمن ماست. ولایت ما جز با ورع به دست نمی‌آید. (۱)

---

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۷۴.

## ه) آرامش روحی و روانی

تصور مصائبی که اهل بیت(ع) در راه خدا متحمل شدند، سایر مصائب را ناچیز و اندک و تحمل آنها را آسان می‌سازد. چه بسیار افراد داغدار و مصیبت‌دیده‌ای که در نتیجه پیوند عاطفی(با یاد مصائب اهل بیت(ع)) بر دل ریش خود مرهمی نهادند و داغ فرزندی را که در راه حق نثار کرده بودند، به جان خریدند، تا جایی که در اوج فشار روحی ناشی از مرگ عزیز خود، به یاد صبر امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) در واقعه کربلا، آلام روحی آنان به آرامش گرایید. چه بسیار مبارزانی که زندان‌های طاقت‌فرسا را به یاد زندانی بغداد، امام موسی کاظم(ع) تحمل کردند.

## و) شفاعت

عشق به امامان معصوم(ع) افزون بر نتایج دنیوی، آثار اخروی در پی دارد. رسول خدا(ص) در روایتی، آثار محبت به خود و اهل بیتش را چنین بیان می‌کند:
دوستی من و اهل بیتم در هفت موقعیت که هول و هراسش عظیم است سودمند است: هنگام جان‌سپاری، ورود به قبر، برانگیخته شدن از قبر، هنگام حساب‌رسی [اعمال انسان]، وقتی که کتاب

[اعمال] را به دست انسان‌ها می‌دهند، هنگامی که در نزد میزان [اعمال] قرار می‌گیرند و لحظه عبور از [پل] صراط. پس کسی که مرا و اهل بیتم را دوست بدارد و پس از من به آنان تمسّک جوید، ما در روز قیامت از وی شفاعت خواهیم کرد. (۱)

## ۴. آسیب‌شناسی ارتباط عاطفی

### اشاره

عشق به امامان معصوم(ع) در صورتی مؤثر است که از آفت‌های زیر به دور باشد:

### الف) غلو و گزافه‌گویی

خانـدان پـاک پیامبر(ص)، همه سـجایای پاک را یکجا و در حـدّ اعلای آن داشـتند. از این رو، برخی انسان‌های نادان و کم ظرفیت مقام آنها را فراتر از انسان دانستند و صفات الوهیت را به آنان نسبت دادند که مورد رضایت آنان نبود و مردم را از چنین گفتاری بر حـذر می‌داشـتند؛ همـان‌طور که خداونـد در مورد قوم یهود که چنین راهی را در پیش گرفتنـد، فرمود: «بگو ای اهل کتاب! در دین خود به ناحق گزافه گویی نکنید». (۲)

به گفته قرآن، یهود درباره انبیای خود غلو می‌کردند؛

---

۱- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۵۴.

۲- نساء: ۷۱.

به گونه‌ای که معتقد بودند عُزَیر پسر خداست. مسیحیان نیز حضرت عیسی(ع) را پسر خدا می‌دانستند.

در میان مسلمانان نیز عده‌ای با غلو، بعضی از اهل بیت پیامبر(ع) را معبود خود خواندند که اهل بیت آنان را لعن کرده، کافر دانستند. علی(ع) درباره آنان فرمود:

دو کس درباره من هلاک شدند و تقصیر و گناهی بر من نیست: دوستداران افراطی و دشمنان افراطی؛ و ما در نزد خدای(عزّوجلّ) از کسی که درباره ما(اهل بیت) غلو کند و ما را بیش از حد، بالا برد، برائت می‌جوییم؛ همانند برائت جستن عیسی بن مریم از نصاری(مسیحیان). (۱)

گزافه‌گویی درباره اهل بیت(ع) در طول تاریخ بیشترین ضربه را بر مکتب ائمه زده است؛ زیرا غلوکنندگان با گفتار و کردار نابخردانه، مکتب اهل بیت(ع) را زیر سؤال برده و بهانه به دست مغرضان داده‌اند؛ به طوری که در کتاب های مربوط به فرق اسلامی، هرگاه سخن از پیروان اهل بیت به میان آمده، آنان را با غالیان برابر دانسته‌اند.

اکنون نیز وهابیت برای مبارزه با تعالیم ناب اهل بیت(ع) بر طبل غالی‌گری پیروان اهل بیت(ع) می‌کوبد

---

۱- محسن فیض کاشانی، نوادر الاخبار، ص ۱۳۶.

ص: ۳۱

و آنـان را غـالی و گزافه‌گـو می‌خوانـد. از سـویی، برخی افراد نـادان بـه بهـانه عزاداری و نوحه‌سـرایی برای اهـل بیـت(ع) و سـرور شهیدان(ع)، جوانان پرشور و پاک طینت را گرد خود جمع می‌کنند و الفاظی غلوآمیز مانند: حسین اللهی‌ام، خدای من حسین است، مست مستم علی پرستم و امثال آن نسبت به اهـل بیت پیـامبر(ع) به کارمی‌برنـد؛ به گمـان آنکه عزادار حسین‌اند و به مکتب اهل بیت(ع) خـدمت می‌کنند، ولی نمی‌دانند که با این کار، بهانه به دست دشـمنان ائمه(ع) می‌دهند. از این رو، این نوع عزاداری‌ها و به کار بردن الفاظ نامناسب و غلوآمیز، مورد قبول و رضایت اهل بیت(ع) نیست.

## ب) غرور

عشق به اهـل بیت(ع) فوایـد و آثـار فراوانی دارد و شـرط دست‌یـابی به آنها پیروی کامل از ائمه(ع) و پرهیز از گناهان است، وگرنه فقط با این تصور که چون شیعه هستیم اهل نجاتیم، راه به جایی نخواهیم برد. در این باره محمدبن مارد می‌گوید:
به امام صادق(ع) عرض کردم: حـدیثی از شـما نقل شـده است که فرموده‌اید: هنگامی که(ما را) شـناختید، هر کاری که می‌خواهید بکنید.(آیا

درست است؟) امام فرمود: آری، چنین گفته‌ام. پرسیدم: اگر چه زنا کنند یا سرقت نمایند و شراب بنوشند؟ امام فرمود:(إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیهِ راجِعُونَ) به خدا قسم! که نسبت به ما انصاف ننمودند؛ زیرا ما به سبب کردارمان محاسبه می‌شویم. آیا از آنان حساب برداشته شده است؟ آنچه گفته‌ام این بود که هرگاه «امام را» شناختی تا می‌توانی از عمل، کم یا زیاد، انجام بده که از تو پذیرفته شود [و شرط قبول اعمال، ولایت ما اهل‌بیت است]. (۱)

این روایت به خوبی نشان می‌دهد، که برخی از رفتارهایی که به بهانه جشن برای اهل‌بیت(ع) به ویژه میلاد امام زمان [از برخی افراد ناآگاه صادر می‌شود و در آن به رقص و پای‌کوبی یا بیان برخی سخنان ناشایست می‌پردازند، مورد پسند اهل‌بیت(ع) نیست و حب ائمه(ع) نیز نمی‌تواند جوازی برای انجام این‌گونه رفتارها و گفتارها باشد.

## ج) تحریف

یکی دیگر از انحرافاتی که می‌تواند در مسیر ارتباط با معصومان مطرح گردد، تحریف تاریخ زندگی، گفتار

---

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۴.

ص: ۳۳

و رفتار اهل‌بیت(ع) است. به عنوان مثال امامان معصوم(ع) در روایات بر ذکر مصائب امام حسین(ع) و گریه کردن و گریاندن عزاداران سیدالشهدا(ع) بسیار تأکید نموده‌اند. این امر سبب شده است که برخی افراد ناآگاه به هر بهانه‌ای، حتی با دست‌کاری واقعیت‌ها و جعل داستان‌ها، تلاش کنند مردم را بگریانند تا به گمان خود به ثواب عزاداری نائل گردند؛ در حالی که اینان با کار خود، مکتب سازنده و عاشق‌پرور امام حسین(ع) را، مکتبی خیالی و بی‌پایه معرفی می‌کنند. پاره‌ای از این دست تحریفات، به قلم محدث نوری در «لؤلؤ و مرجان» و نیز شهید مطهری در «تحریفات عاشورا» مطرح شده است.

### د) خرافه‌گرایی

برخی افراد جاهل و شیاد نیز از علاقه مردم به اهل‌بیت(ع) سوءاستفاده می‌کنند و در بعضی موارد برای رسیدن به اهداف پلید خود، خرافه‌ای را در جامعه می‌پراکنند. مثلًا کسی ادعا می‌کند که قطره‌ای از خون سر امام حسین(ع) در فلان منطقه ریخته است بدین سبب، آن مکان مقدس است و دیگری مدعی کشف امام‌زاده‌ای جدید در منطقه‌ای گمنام می‌شود و در محله‌ای دیگر، مکانی به نام قدم‌گاه حضرت عباس(ع)

احداث می‌کنند و یا مدعی دیدن خواب امام معصومی شده، خود را نظرکرده معرفی می‌نمایند.

### ه) بی‌توجهی به اهداف مکتب

توجه نداشتن به اهداف مکتب و غفلت از فلسفه قیام و قعود ائمه(ع) و عدم درک صحیح از تأکید ایشان به برپاداشتن عزاداری‌ها و جشن‌ها، یکی دیگر از موانع پیوند معنوی صحیح با اهل‌بیت(ع) است. ازاین‌رو، گاهی برخی از افراد خودسر و غافل به گمان بزرگداشت شعائر دینی، حرمت ائمه را می‌شکنند. استاد شهید مطهری در این‌باره می‌گوید:

در سال‌های اوّلِ مرجعیت مرحوم آیت‌الله بروجردی بود. به ایشان خبر دادند که وضع شبیه‌خوانی(تعزیه) قم خیلی خراب و ناجور است. ایشان از تمام رؤسای هیئت‌ها دعوت نمودند تا به منزل ایشان بیایند. پس از آمدن آنها، مرحوم بروجردی از حاضران پرسید: مقلد چه کسی هستید؟ همه گفتند: مقلد شما. ایشان فرمودند: اگر مقلد من هستید، فتوای من این است که این شبیه‌هایی که شما در می‌آورید، حرام است. آنان به جای پذیرش نظر ایشان با کمال صراحت گفتند:

آقـا! ما در تمام سال مقلـد شـما هستیم، الا این سه، چهار روز که ابـدا از شـما تقلیـد نمی‌کنیم ... این نشان می‌دهـد که هـدف، امام حسین(ع) نیست. هدف، اسلام نیست. نمایشی است که از آن، استفاده‌های دیگر و لااقل لذتی می‌برند. (۱)

اکنون نیز مشابه این‌گونه کارها در جامعه رایـج است. کارهایی همچون قمه‌زنی، به راه انداختن علم‌های چند متری، دعوت هیئت‌ها از مداحان خوش صدا برای خودنمایی در برابر هیئت رقیب، متداول شدن اسـتفاده از انواع سـبک‌های ترانه و آلات و ابزار موسـیقی برای جـذب بیشتر جوانان، انـداختن قلاده بر گردن و عوعو کردن وخود را سگ درگاه حسـین(ع) خوانـدن، از خرافات و انحرافاتی است که با آموزه‌های مکتب پویای اهل بیت(ع) در تعارض است و مورد تأیید فقهای شیعه نیز نمی‌باشد.

---

۱- مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۳۳۴.

## فصل دوم ارتباط آرمانی

### ۱. منظور از ارتباط آرمانی

یکی از آرزوهای بزرگ انسان‌ها در طول اعصار و قرون، برچیده شدن ظلم و ستم و استقرار و حاکمیت عدالت، ارزش‌ها و صفات پاک انسانی در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی بوده است. ازاین‌رو، در انسان‌ها همواره انتظار چنین روزی بوده، به پدیدآورندگان چنین تحولی عشق ورزیده‌اند. ادیان الهی و حتی غیر الهی نیز ظهور چنین شخصی را به پیروان خود بشارت داده‌اند. «این شخصیت نزد زرتشتیان سوشیانت پیروزگر و نزد بوداییان بودای پنجم و نزد برهمنان کریشنای و نزد هندوان آواتای ویشنو و نزد یهودیان مسیح و نزد مسیحیان فارقلیط نام دارد». (۱)

---

۱- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۳.

این شخصیت بزرگ که همه چشم به راه اویند، در نزد مسلمانان مهدی نام دارد؛ همان که آرمان بشریت را محقق می‌سازد. رسول خدا(ص) در معرفی او فرمود: «مهدی از ما اهل بیت و از فرزندان فاطمه است». (۱)

و فرمود:

در آخرالزمان مردی از فرزندانم که هم‌اسم و هم‌کنیه من است، خروج می‌کند و جهان را که از ظلم و جور و بی‌عدالتی پر شده است، پر از قسط و عدل می‌سازد. (۲)

از این رو، مراد از ارتباط آرمانی، انتظار دمیدن خورشید ولایت(مهدی موعود) و عشق ورزیدن به اوست؛ همان که با نور وجود خود، ظلمت را از جهان می‌زداید و گیتی را منور نموده، آرمان بشریت را محقق می‌سازد.

## ۲. شیوه‌های ارتباط آرمانی با امام زمان (عج)

### اشاره

بهترین شیوه‌های پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی که برای باورمندان به ظهورش در روایت‌ها آمده، چند امر است:

---

۱- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۲۱.

۲- همان، ص ۳۲.

### الف) آمادگی برای یاری حضرت

امام صادق(ع) فرمود: هر یک از شما می‌بایست برای(ایجاد زمینه) خروج قائم تلاش کند اگر شده تیری فراهم آورد؛ زیرا خداوند وقتی نیت کسی را برای یاری امام زمان بداند، امید می‌رود که عمر وی را طولانی کند تا ظهور آن حضرت را درک کرده، از یاوران و پشتیبانان آن حضرت شود. (۱)

### ب) درخواست توفیق شناخت امام از خداوند

در منابع روایی شیعه و سنت، به تواتر و با بیان‌های مختلف از رسول خدا(ص) نقل شده است:

وَ مَنْ ماتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمامَ زَمانِهِ ماتَ مِیتَةً جاهِلِیَّةً. (۲)

و هر کس که بدون شناخت امام زمانش بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است.

از این رو، همواره باید توفیق شناخت امام زمان، و اعتراف به وجود او و عمل به وظایف را از خدا خواست.

زرارهٔ بن اعین می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: اگر من دوره غیبت را درک نمایم، چه کنم؟

---

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۲- محمد بن علی بن بابویه(شیخ صدوق)، کمال الدین، ص ۴۰۹.

حضرت فرمود:

همیشه این دعا را بخوان: بار پروردگارا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! رسولت را به من بشناسان؛ زیرا اگر رسولت را به من نشناسانی، حجّتت را نخواهم شناخت. خداوندا! حجتت را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجتت را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد. (۱)

آنچه امام صادق(ع) بر آن تأکید ورزید، شناخت خدا، رسول و امام، با کمک خواستن از خداوند است، آن‌هم نه فقط با زبان.

آن حضرت در بیانی دیگر، معرفت به امام را نوعی فضیلت برمی‌شمارد:

کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیامش بمیرد، همانند کسی است که در لشکر آن حضرت حاضر بوده است(و در رکاب او از حق دفاع کرده است). (۲)

### ج) دعوت خود و دیگران به حق

امام سجاد(ع) در توصیف منتظران حقیقی فرمود:

اهل زمانِ غیبت که معتقد به امامت و منتظر ظهور

---

۱- کمال الدین، ص ۱۴۶.

۲- همان، ص ۱۴۱.

او هستند، از اهل هر زمانی برترند ... آنان پیروان حقیقی ما و کسانی‌اند که آشکار و نهان به دین خدای- عزّوجلّ- دعوت می کنند. (۱)

مسئولیتی که امام در حدیث فوق به آن اشاره کرده است، بیشتر در حوزه وظایف عالمان دین می گنجد.

امام هادی(ع) در این‌باره فرمود:

اگر در روزگار غیبت قائم ما، عالمانی نبودند که به سوی او فراخوانند و راهنمایی کنند و با دلایل و استدلال محکم به دفاع از دین برخیزند و بندگان سست ایمان را از دام‌های شیطان برهانند و از دست ناصبیان نجات دهند، کسی باقی نمی‌ماند مگر اینکه مرتد می‌شد. ولی آنان همچون کشتیبان و ناخدای کشتی که سکان را نگه می‌دارد، قلب‌های شیعیان سست ایمان را از لغزش بازمی‌دارند. (۲)

### د) پرهیز از گناه

پیوند با پاکان جز با پاکی ممکن نیست؛ زیرا شرط لازم مصاحبت، مجانست است. امام صادق(ع) فرمود:

هر کس خشنود می‌شود که از اصحاب قائم باشد،

---

۱- کمال الدین، ص ۳۲۰.

۲- احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۳۳.

پس باید منتظر ظهورش بوده و اهل پرهیز از محرمات الهی و عمل به اخلاق نیکو باشد. در این صورت، او منتظر(حقیقی) است. (۱)

### ه) پیروی از نایبان عام امام

یکی دیگر از راه‌های پیوند با آن حضرت، پیروی از نواب عام، به ویژه ولی فقیه، برای سربلندی امت اسلامی است. حضرت مهدی(عج) فرمود:

امَّا الْحَوادِثُ الْواقِعَةُ فَارْجِعُوا فِیها إِلَی رُواهِ حَدِیثِنا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِی عَلَیْکُمْ وَ انَا حُجَّهُ الله.

در پیش‌آمدهایی که رخ می‌دهد، برای فهم [حکم] آن، به راویان حدیث ما رجوع کنید، که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم.

از این رو، با پیروی از نایبان عام آن حضرت، به‌ویژه ولی‌فقیه جامع الشرایط، عقیده به استمرار ولایت سیاسی امامان را تقویت نموده و شیعه مذهب را همچون مذهبی پویا که توان پاسخگویی به همه نیازها، به ویژه نیاز سیاسی را بر اساس اندیشه‌های برگرفته از اهل بیت پیامبر(ع) دارد، بهترین الگوی پیروی به جهانیان معرفی خواهیم نمود؛ همان کاری که با قیام امام راحل و

---

۱- محمد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۶.

انقلاب اسلامی در جهان اسلام رخ داد و دل و اندیشه بسیاری از پیروان ادیان و مذاهب دیگر را متوجه مکتب اهل بیت(ع) و گرایش به آن نمود.

### و) دعا برای ظهور

یکی دیگر از راه‌های ارتباط، استغاثه در فراق آن حضرت و دعا نمودن به درگاه الهی و صدقه دادن برای سلامتی و تعجیل در ظهور و توفیق درک زمان ظهور و یاری آن حضرت است. خواندن دعای عهد(نقل شده از امام صادق(ع)) و دعای فرج و ... در این‌باره به شیعیان توصیه شده است.

### ز) نجوای عاشقانه

امام زمان(عج) تنها حجت زنده خدا در میان خلق است. چه بسا بسیاری او را دیده‌اند ولی کمتر کسی او را می‌شناسد. ازاین‌رو، نجوای عاشقانه با او برای رؤیت جمال دلربایش، از راه‌های ارتباط با اوست.

چه زیباست که هر صبح جمعه دعای ندبه بخوانیم و در زمزمه‌ای عاشقانه به آن حضرت بگوییم:

ای کاش می‌دانستم در کجا جای گرفته‌ای؟ آیا در کوه رضوایی و یا در ذی طوی؟ چه دشوار است برایم که مردمان را ببینم اما تو را نبینم و از تو

صدایی، حتی آهسته، به گوشم نرسد. چه برایم دشوار است که رنج فراقت را تحمل کنم اما شکوه و ناله و زاریم به گوشت نرسد. فدایت شوم(تو آن) غایبی(هستی) که از ما دور نیستی. جانم به فدایت، تو آن جدا افتاده از مایی که از ما جدا نیست. جانم به فدایت تو همان آرزوی قلبی هر مرد و زن با ایمانی که به یاد تو و به شوق دیدارت ناله سر می‌دهد ... ای سرورم، تا کی در طلبت حیران و تا چه هنگامی و با چه زبانی تو را بخوانم وچگونه راز دل گویم. (۱)

## ۳. آثار و نتایج ارتباط آرمانی

### اشاره

عقیده به ظهور منجی از نسل پیامبر(ص)، آثار و برکات فراوانی برای پیروان آن حضرت دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### الف) امید و نشاط

عقیده به آمدن منجی صالح برای اصلاح امور جهان، امید را در دل زنده می‌کند و ناامیدی را می‌زداید. این امید، به زندگی انسان نشاط می‌دهد؛ زیرا می‌داند

---

۱- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸؛ مفاتیح الجنان، ص ۸۸۷.

سرانجام، پیروزی از آن نیکوکاران خواهد بود و ظالمان، هر اندازه قدرت‌مند باشند، نابود خواهند شد.

### ب) اصلاح فرد

منتظرِ واقعی مصلحی پاک از خاندانی پاک، به درستی می‌داند که راه پیوستن به چنین مصلحی و قرار گرفتن در زمره یاران وی، جز با تزکیه نفس میسر نیست؛ زیرا او پاک است و جز پاکان را نمی‌پذیرد. چنین شخصی در اصلاح خود می‌کوشد تا شایستگی لازم را برای سربازی آن حضرت بیابد.

### ج) اصلاح اجتماع

عقیده به منجی جهان، انگیزه مبارزه با ستمگران را در دل‌ها تقویت می‌کند؛ به ویژه اینکه چنین شخصیتی، زنده و شاهد رفتار ماست و افزون بر آن، نایبانی را به طور عام برای اداره امور جامعه تعیین کرده است. چنین اعتقادی می‌تواند موجب تحول و اصلاح اجتماع شود. شاهد این ادعا، پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ است. در این انقلاب مردم جان بر کف ایران، با انگیزه و روحیه شهادت‌طلبی به خیابان‌ها ریختند و با مبارزه جانانه، حکومت طاغوت را در هم شکستند. آنان با این کار، زمینه را برای ظهور حضرت موعود فراهم کردند.

### د) هراس مستکبران

عقیـده به وجود رهبری عدل‌گستر و دشـمن ظلم و ظالمان، همواره موجب نگرانی سـتمگران بوده است. ازاین‌رو، آنان حتی پیش از تولـد حضـرت، در پی جلوگیری از تولـد یا نابودی وی پس از تولـدش بوده‌انـد. به همین جهت جد و پدرش را در لشکرگاه تحت مراقبت شدیـد قرار دادنـد تا به مقصود خود نایل گردنـد، ولی نتوانسـتند. امروزه نیز اسـتکبار جهانی به مبارزه با این انـدیشه و تفکر پرداخته، هجوم بی‌سـابقه‌ای را بـا وسایل و ابزارهای تبلیغاتی علیه این باور به راه انـداخته است و با ساختن فیلم و انیمشن و بازی‌های رایانه‌ای در مبارزه با تفکر مهدویت، خود را پیروز میدان مبارزه معرفی می‌نماید، اما:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ(۸)

الصف، ۸

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند، ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند!

## ۴. آسیب‌شناسی ارتباط آرمانی

### اشاره

پیوند آرمانی با ساحت قدس مهدوی(عج)، از آغاز غیبت تا کنون با کج‌اندیشی‌هایی رو به رو

بوده است که در اینجا با عنوان آسیب‌شناسی به آن می‌پردازیم:

### الف) تفسیر انحرافی از انتظار

برخی راحت‌طلبان عافیت‌اندیش، برای شانه خالی کردن از تعهدات اجتماعی و اصلاح امور جامعه به توجیه کردار خود می‌پردازند و معتقدند که امام زمان هنگامی ظهور می‌کند که جهان پر از ظلم و جور باشد. پس نباید برای اصلاح امور با حاکمان جور در افتاد تا زمینه ظهور، فراهم گردد. بنابراین، آنان با هر حرکت اصلاحی در جامعه مخالفت می‌کنند و آن را محکوم به شکست می‌دانند. امام خمینی درباره اینان می‌گوید:

یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب مگر برای چه می‌آید؟ می‌آید معصیت را بردارد. ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید. (۱)

آیا از روایاتی چون «بعد از این که زمین از ظلم پر می‌گردد، آن را با قسط و داد پر می‌کند»، چنین استفاده نمی‌شود که نباید با فساد و ظلم و جور مبارزه کرد تا

---

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۳۶.

زمینه ظهور فراهم گردد؟ علامه طباطبایی(ره) در پاسخ می‌فرماید:

لازمه این سخن، حلال شمردن حرام و جواز ترک واجبات است و مسلماً حضرت نمی‌خواهد که فساد کنیم تا بیاید و ما را گردن بزند. (۱)

### ب) ادعاهای باطل

ادعاهای دروغین، دیگر از آفت‌هایی است که به این عقیده آسیب می‌رساند. ادعاهایی همچون ملاقات با امام زمان یا دیدن او در خواب و رساندن پیام آن حضرت به مردم در جامعه اسلامی از سوی برخی مطرح می‌شود و بعضی ساده‌دلان مشتاق را نیز به سوی خود جذب می کند.

زمینه این‌گونه ادعاها را افرادی با اهداف شخصی در نوشته‌های خود به وجود می‌آورند. در این‌باره بیان ماجرایی از زندگی امام خمینی(ره) بی‌مناسبت نیست:

یکی از مدعیان ارتباط با امام عصر در زمان حیات امام خمینی(ره) با یکی از مسئولان بلند پایه جمهوری اسلامی تماس گرفته، می گوید: پیغامی از حضرت بقیهٔ الله برای امام دارم که باید حضوری به

---

۱- محمدحسین رخشاد، در محضر علامه طباطبایی، ص ۱۱۶.

ایشـان عرض کنم. گویـا آن مسـئول بلنـدپایه بـاور کرده بود که مـدعی، راست می گویـد. لـذا جریـان را به اطلاـع امـام خمینی(ره) می‌رسانـد. امام در پاسـخ می‌فرمایند: به او بگویید من کور باطن هسـتم(اشاره به اینکه بی‌دلیل چیزی را نمی‌پذیرم). سه سؤال از وی بکنیـد و بگویید اگر با ولی عصـر ارتباط دارد، ابتدا پاسخ این سؤال‌ها را بیاورد، بعد پیغام آن حضـرت را بگوید. سؤال نخست: من یـک چیزی را دوسـت دارم آن چیسـت؟(اشـاره بـه عکسـی کـه منسـوب به پیـامبر اسـلام بـوده و در اتـاق ایشـان بـود). سـؤال دوم: چیزی(دیوان شـعر) را گم کرده‌ام، کجاست؟ سؤال سوم: ربط حادث به قـدیم چگونه است؟ اما مـدعی یا مـدعیان به جای پاسـخ به پرسـش‌های امام، نامه‌ای سراسـر اهانت به ایشان می‌نویسد که چرا از واسـطه ولی عصر برای اثبات ادعایش دلیل و برهان می‌خواهد. (۱)

---

۱– مسعودپور سید آقایی، میر مهر، ص ۱۸۶.

## فصل سوم ارتباط استمدادی با امامان معصوم (ع)

### ۱. منظور از ارتباط استمدادی

پیمودن راه مستقیم الهی، کاری است دشوار و پرخطر؛ زیرا دشمنی از درون، به نام هوای نفس؛ و دشمنی از بیرون، به نام شیطان، در کمین است. ازاین‌رو، راه نجات از دام‌های شیطان و همچنین راه دستیابی به حاجت‌های دنیوی و اخروی تمسک به انسان‌هایی است که مقرب خداوند و واسطه فیض‌اند وآنان جز خاندان پاک پیامبر(ص) نیستند؛ همانانی که رسول خدا(ص) راه نجات را در تمسک به آنان دانسته است:

یا ایُّهَا النَّاسُ إِنِّی قَدْ تَرَکْتُ فِیکُمْ خَلِیفَتَیْنِ إِنْ اخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِی احَدُهُما اکْبَرُ مِنَ الآخَرِ کِتابَ اللهِ مِنَ السَّماءِ وَ عِتْرَتِی اهْلَ بَیْتِی الا

وَ إِنَّهُما لَنْ يَفْتَرِقا حَتَّى يَرِدا عَلَيَّ الْحَوْض. (۱)
ای مردم من در بین شما دو جانشین به‌جا گذاشتم که اگر به آن دو تمسک نمایید، هرگز گمراه نخواهید شد، یکی از دیگری بزرگ‌تر است و آن: کتاب خدا از آسمان و عترتم [اهل بیتم] می‌باشد. بدانید که آن دو تا وقتی که در کوثر نزد من آیند از هم جدایی ناپذیرند.
از این رو، مراد از ارتباط استمدادی، تمسک، توسل و استغاثه به آنان برای هدایت و رستگاری و برآورده شدن حاجت‌های دنیوی و اخروی و بهره‌مندی از شفاعت آنان نزد خداوند است؛ زیرا خداوند می‌فرماید:
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ
المائدة، ۳۵
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا داشته باشید و به سوی او وسیله‌ای برای تقرب برگزینید!
این وسیله تقرب، وجود مقدس امامان معصوم(ع) از خاندان پیامبر(ص) می‌باشد؛ همان‌طور که در معنای «وسیله» از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است:
«معنی آن» امامان از فرزندان حسین‌اند. کسی که از آنان اطاعت کند، از خداوند اطاعت کرده و کسی

۱- الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۶۳.

که از فرمان آنان سرپیچی کند، خدا را نافرمانی نموده است. آنان عروۀالوثقی و وسیله تقرب به خداوند متعال هستند. (۱)

## ۲. شیوه‌های ارتباط استمدادی

### الف) توسل

یکی از راه‌های ارتباط با پیامبر(ص) و اهل بیت او(ع) توسل و استمداد برای برآورده شدن حاجات دنیوی و اخروی و بخشش گناهان است؛ زیرا خداوند آنان را واسطه فیض خود قرار داده و به مسلمانان امر فرموده است که برای بخشش گناهان خود به رسول خدا(ص) متوسل شوند تا گناهانشان بخشیده شود.

یک- در قرآن و روایات اهل بیت(ع)

خداوند در این باره به پیامبرش می‌فرماید:

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً(۶۴)

النساء، ۶۴

و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر

---

۱- علی بن جمعه حویزی، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۶.

[نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیرِ مهربان می‌یافتند.

آیه‌ای دیگر، وجود مقدس پیامبر اکرم(ص) را در میان مردم، سبب دفع بلا و عذاب از آنان دانسته است:

وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ(۳۳)

**الأنفال، ۳۳**

ای پیامبر! تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد و [نیز] تا وقتی که استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند.

به همین جهت، ائمه اطهار(ع) نیز چگونگی توسل و استغاثه به درگاه الهی برای برآورده شدن دعا و حاجات را آموزش داده‌اند.

سماعهٔ بن مهران می گوید:

امام کاظم(ع) به من فرمود: هر گاه به درگاه خداوند حاجتی داشتی بگو:

اللّهُمَّ انّی اسْالُکَ بِحَقّ مُحَمّدٍ وعَلیٍّ(ع) ... (۱)

خداوندا! تو را به حق محمد و علی(ع) می‌خوانم، زیرا برای آن دو در نزد تو مقام و منزلتی والاست. پس به حق همان منزلت، می‌خواهم که بر محمد

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۲.

و آل محمد درود فرستی و حاجاتم را برآورده سازی.

داوود رقّی می‌گوید: من به دعاهای امام صادق(ع) گوش فرا دادم. شـنیدم که آن حضرت در دعا به درگاه خداوند، بیشترین اصرار را به حق پنج تن یعنی رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین(ع) می‌کرد. (۱)

دو- در روایات اهل سنت

در کتاب‌هـای اهـل سـنت روایات متعـددی درباره توسل به پیامبر و خانـدان او پیش از تولـد آنان و در زمان حیات و پس از رحلت آنان است:

۱. در روایتی که اهل سنت از ابن عباس نقل کرده‌اند آمده است:

از رسول خـدا(ص) درباره تفسـیر کلماتی که آدم(ع) از پروردگار تلقی کرد و توبه‌اش پـذیرفته شد، پرسـیدم. فرمود: از خدا به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین تقاضا کرد تا توبه‌اش را بپذیرد و خدا نیز توبه‌اش را پذیرفت. (۲)

۲. انس بن مالک می‌گوید:

---

۱- همان، ص ۹۷.

۲- جلال الدین سیوطی، تفسیر الدر المنثور، ج ۱، ص ۶.

در زمـان رسول خـدا(ص) در یکی از سال‌هـا مردم به خشـکسالی مبتلاـ شدنـد. در یکی از روزهای جمعه که آن حضـرت در حال خواندن خطبه نماز جمعه بود، مردی اعرابی وارد شد و گفت: ای رسول خدا! اموالمان نابود شد و خانواده‌ها گرسنه‌اند، برای ما دعا کن. رسول خـدا دست‌ها را برای دعا به سوی آسـمان بلند کرد، در حالی‌که قطعه ابری در آسـمان دیده نمی‌شد، اما قسم به خدایی که جانم در دست اوست، هنوز دست‌ها را پایین نیاورده بود که دیـدیم ابرها ماننـد کوه به راه افتادند و هنوز از منبر پایین نیامده بود که دیـدیم قطره‌های باران بر محاسن حضـرتش چکیـد. از آن روز تا جمعه بعـد، باران باریـد که باز همان مرد یا مردی دیگر آمد و گفت: ای رسول خـدا! ساختمان‌هـا ویران و اموالمان غرق شـده است، برای ما دعا کن. حضـرت دست به سوی آسـمان بلنـد کرد و فرمود: بـار پروردگـارا! به نفع مـا ابرها را بفرست و بر علیه ما قرار مـده. سـپس با دسـتان خود به بخشـی از ابرها اشاره نمی‌کرد مگر اینکه از هم متلاشی شده، به اطراف شهر مدینه پراکنده شدند. (۱)

---

۱- محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۵۹.

۳. در روایت دیگری از عثمان بن حنیف نقل شده است:

مردی نابینا نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: از خدا بخواه مرا شفا دهد. پیامبر فرمود: اگر بخواهی برایت دعا می‌کنم و اگر بخواهی به تاخیر بیندازم به سود توست. نابینا گفت: دعا کن. پیامبر(ص) به وی دستور داد که وضویی نیکو بسازد و دو رکعت نماز بخواند و آن‌گاه این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ یا مُحَمَّد انّی تَوَجَّهْتُ بِکَ الی رَبِّی فِی حاجَتِی هذِهِ، فَتَقْضِی لِی اللّهُمَّ شَفِّعْهُ فِیَّ.

بار خدایا! از تو می‌خواهم و به وسیله پیامبرت، محمد که پیامبر رحمت است، به تو رو آورده‌ام. ای محمد! من به وسیله تو به پروردگارم روی آورده‌ام تا حاجتم را برآورد. بار پروردگارا! او را شفیع من قرار بده.

عثمان بن حنیف می‌گوید:

به خدا قسم! که ما هنوز پراکنده نشده بودیم و مدت زیادی نگذشته بود که دیدیم آن مرد شفا یافته، نزد ما آمد و چنان نشان می‌داد که هرگز نابینا

نبوده است. (۱)

۴. امیرمؤمنان علی(ع) فرمود:

سه روز پس از دفن رسول خدا، عربی بیابانی نزد ما آمد و خود را روی قبر انداخت و از خاک قبر بر سرش ریخت و گفت: ای رسول خدا! تو از خدا وحی را دریافت کردی و به ما رساندی و ما هم شنیدیم و دریافتیم. از جمله آیه‌هایی که بر ما خواندی، این بود: اگر آنان که بر خود ظلم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خداوند طلب بخشش می‌کردند و رسول خدا نیز برای آنان طلب استغفار می‌کرد، خداوند را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند. حال ای پیامبر! من به خود ظلم کردم و نزد تو آمدم که برایم طلب بخشش کنی. (۲)

۵. ابوعلی خلال، یکی از بزرگان حنبلی می‌گوید:

هرگاه کار مهمی برای من پیش می‌آمد، بر مزار موسی‌بن جعفر(ع) می‌رفتم و متوسل می‌شدم، حاجتم برآورده می‌شد. (۳)

---

۱- محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۴۵۸.

۲- نورالدین علی بن عبدالله بن احمد سمهودی، وفاءالوفاء، ج ۴، ص ۱۳۶۱.

۳- احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰.

۶. ابوبکر محمدبن مؤمل می گوید:

روزی در خدمت پیشوای اهل حدیث، ابوبکربن خزیمه و همتایش ابوعلی ثقفی با گروهی از بزرگانمان به زیارتگاه علی‌بن موسی الرضا(ع) در طوس رفتیم. ابن خزیمه را دیدم که چنان در برابر قبر آن حضرت تعظیم، تواضع و گریه و زاری می کند که همه ما را به تعجب و حیرت واداشت. (۱)

۷. ابن ادریس شافعی، بنیان گذار مذهب شافعی، نیز در توسل به اهل‌بیت(ع) می گوید:

آلُ النَّبی ذَریعَتی وَ هُم الَیهِ وَسیلَتی

ارْجُو بِهِم اعطی غَداً بِیدِ الْیمینِ صَحِیفَتی (۲)

خاندان پیامبر(ص) دست آویز من هستند. آنان در پیشگاه حق، وسیله تقرب من می‌باشند. امید دارم که به سبب آنان در فردای قیامت، نامه عمل من به دست راستم سپرده شود.

این روایت‌ها روشن می کند که توسل به اهل‌بیت(ع)، ویژه شیعیان نیست، بلکه افرادی همچون شافعی و ابن خزیمه و ابو علی خلال و ... نیز به آنان متوسل می‌شدند.

---

۱- احمد بن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹.

۲- احمد بن حجر هیتمی، الصواعق المحرقه، ج ۲، ص ۵۲۴.

### ب) درخواست شفاعت

راه دیگر ارتباط با معصومان درخواست شـفاعت از آنان است؛ زیرا شـفاعت امت، از درجاتی است که خداوند در سایه عبودیت به پیامبر اکرم(ص) و خاندان وی عطا فرموده است.

مصداق بارز عبودیت پروردگار، نماز، به ویژه نماز شب است. از این‌رو، خداوند به پیامبرش دسـتور داد برای دریافت مقام شـفاعت به نماز شب برخیزد:

()(اسراء: ۷۹)

[ای پیامبر] ... و پاره‌ای از شب برای نافله، به شب زنده‌داری قیام کن تا خداوند مقام محمود [شفاعت] را به تو بدهد.

علامه طبرسی در تفسیرش می‌نویسد: «مفسران اجماع دارند که مراد از مقام محمود، همان مقام شفاعت است». (۱)

در روایات متعدد در کتاب‌های شـیعه و سنّی از رسول خدا(ص) نقل شده است که آن حضرت در روز قیامت شفاعت خواهد نمود. از آن حضرت است:

---

۱- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۸۴.

«شَفاعَتِی لَاهْلِ الْکَبائِرِ مِنْ امَّتِی» (۱)؛

«شفاعتم برای اهل گناهان کبیره از امتم می‌باشد.»

همچنین فرمود:

مَنْ صَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ قالَ اللّهُمَّ أنْزِلْهُ الْمَقعدَ المُقَرَّب عِنْدَکَ یَوْمَ الْقِیامَهْ وَجَبَتْ لَهُ شَفاعَتِی. (۲)

کسی که بر محمد صلوات بفرستد و بگوید پروردگارا او را در جایگاه مقرب، نزد خود در روز قیامت جای ده، شفاعتش بر من لازم است.

پیامبر(ص) در سخنی دیگر فرمود:

الشُّفَعاءُ خَمْسَةٌ: القُرآنُ، وَ الرَّحمُ، وَ الأمانَةُ، وَ نَبِیُّکُم، وَ اهْلُ بَیْتِهِ. (۳)

شفاعت‌کنندگان پنج‌اند: قرآن، رحم، امانت، پیامبر(ص) و اهل بیت او(ع).

اما آنچه درباره حقیقت شفاعت می‌توان گفت این است که شفاعت پیامبر(ص) و سایر شفیعان، همان دعا به درگاه الهی و طلب مغفرت برای گناه‌کاران است و خداوند نیز در شرایط خاصی دعایشان را اجابت می‌کند وآنان نیز در غیر مواردی که اجازه دعا دارند، دعا

---

۱- اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۴۹.

۲- تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۵۲۱.

۳- سیوطی، جامع الصغیر، ج ۲، ص ۸۶؛ بحارالانوار، ج ۸، ص ۴۳.

نمی کنند.

ما احاطه علمی به حقیقت شـفاعت در روز قیامت نـداریم، شایـد در آنجا مرتبه‌ای دیگر درکار باشـد، ولی هر چه باشد، دعا یکی از مراتب آن است. از این‌رو، کلام گوینده در مقابل قبر پیامبر(ص) که می گوید

: «یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اشْفَع لَنا عِنْدَ اللهِ» (۱)؛

«ای آبرومند در نزد خدا! مرا در نزد خدا شفاعت بنما»، چیزی جز همین دعا را قصد و اراده نمی کند.

## ج) نذر

نذر، یکی دیگر از راه‌های ارتباط استمدادی است.

در تعریف نذر گفته‌اند:

النذر هو الالتزام بعمل للّٰه تعالی علی نحو مخصوص. (۲)

نذر بر عهده گرفتن و انجام کاری است برای خدا به شکل مخصوص.

در حقیقت، نـذر عهـدی است که نذرکننـده بـا خـدا می‌بنـدد که اگر به اذن پروردگار، حاجتی از حاجت‌هایش برآورده شود، کار خیری را انجام دهد، مثلًا روزه بگیرد یا

---

۱- جعفر سبحانی، بحوث فی الملل والنحل، ج ۴، ص ۲۸۰.

۲- امام خمینی(ره)، تحریر الوسیلهٔ، ج ۲، ص ۱۱۶.

به تعـدادی فقیر کمک نمایـد و اگر نـذرش به واسـطه یکی از بندگان پاک و صالح خدا برآورده شود، به زیارت قبر آن فرد صالح برود و یا برای تعمیر و آبادانی قبرش مقـداری پول اهـدا کنـد یا مالی را صـدقه بدهـد و ثوابش را به روح پاک آن بنده صالح هدیه کنـد. چنین نذری در صورت برآورده شدن حاجت، لازم الوفاء است. فرض اخیر نذر که واسـطه شدن بندهای از بندگان صالح خداماننـد انبیـا و ائمه و صالحان در برآورده شـدن حاجات است، احکام ویژهای دارد که در رسالههای عملیه مراجع، به طور گسترده به آن پرداخته شده است.

## ۳. آثار و نتایج رابطه استمدادی

### اشاره

شیوههای سهگانه استـمداد از امامان معصوم(ع)، یعنی توسل، درخواست شفاعت و نذر، آثار و رهاوردهای دنیوی و اخروی بسیاری دارد که در این قسمت به برخی از آنها اشاره میکنیم:

### الف) برآورده شدن حاجتها

نیازمندان و دردمندان بسیاری بودند که پس از توسل و یا نذر برای اهلبیت(ع) حاجتهای آنان برآورده شد و مشکلشان که حل نشدنی مینمود، برطرف گردید. در

این موضوع کتاب‌های متعدد و نمونه‌هایی نوشته‌اند (۱) که در این بخش به یک نمونه می‌پردازیم:

آیت الله العظمی مرعشی نجفی، از مراجع معاصر، می‌گوید: در سال ۱۳۳۹ قمری(یک سال پس از فوت پدرم) هنگامی که در مدرسه «قوام» نجف اشرف طلبه بودم و تدریس می‌کردم، مشکلات و ناراحتی‌هایی بر قلبم سنگینی می‌کرد که عبارت بودند از:

- بدگمانی به مردم، چنان که با کسی ارتباط برقرار نمی‌کردم و حتی نماز جماعت پشت سر افراد عادل را نیز ترک کرده بودم؛
- یکی از منسوبین من از تدریسم جلوگیری می‌کرد و به استادم نیز گفته بود که مرا به درس خود راه ندهد؛
- به بیماری حصبه مبتلا شدم و بعد از شفا دچار کُندذهنی و فراموشی شده بودم؛
- بینایی چشم‌هایم بسیار کم شده بود؛
- از تندنوشتن عاجز شده بودم؛
- گرفتار فقر و تنگ‌دستی شدید بودم؛
- نوعی بیماری روحی دائمی احساس می‌نمودم؛
- در عقیده‌ام به برخی از امور معنوی، به تدریج

---

۱- از جمله می‌توان به کتاب داستان‌های شگفت شهید دستغیب و کرامات معصومیه اشاره کرد.

تزلزلی روی می‌داد؛

از سویی آرزو داشتم که خداوند سفر حج بیت‌الله الحرام را نصیبم کند به شرط آنکه در مکه یا مدینه بمیرم و در یکی از این دو شهر دفن شوم. دیگر آنکه خداوند توفیق علم و عمل صالح را به من عنایت کند.

آن مشکلات و این آرزوها لحظه‌ای مرا آرام نمی‌گذاشت. از این‌رو، به فکر توسل به سالار شهیدان افتادم و به کربلا رفتم. پس از تجدید وضو به حرم مشرف شدم و شب را در حرم، پایین پای آن حضرت و در کنار قبر علی‌اکبر(ع) نشستم. اندکی از نشستنم نگذشته بود که صدای حزین قرائت قرآن را از پشت روضه مقدس شنیدم. به آن طرف متوجه شدم. پدر مرحومم را دیدم که نشسته بود. از من پرسید، در ایام درسی برای چه کاری به اینجا آمده‌ای؟ علت را شرح دادم. به من امر کرد که حاجتم را با امام(ع) در میان بگذارم. به طرف ضریح رفتم و آن حضرت را دیدم. سلام کردم و جوابم را داد و تبسمی ملیح بر لبانش نقش بست. از من پرسید: چه می‌خواهی؟ من این شعر فارسی را خواندم:

آن را که عیان است چه حاجت به بیان است

آن حضـرت، قطعه‌ای نبـات به من عنـایت کرد و فرمود: تو مهمـان مایی. سـپس فرمود: چه چیز از بنـدگان خـدا دیـده‌ای که به آنها بدگمان شده‌ای؟ با این سؤال در من یک دگرگونی پیدا شد و احساس کردم که دیگر به کسی بدگمان نیستم.

سپس فرمود: به درس خود بپرداز، زیرا آن شـخص که مـانع تـدریس تو بود، دیگر نمی‌توانـد کـاری کنـد.(چون به نجف بازگشـتم همان شخص به دیدنم آمد و گفت: من فکر کردم که تو جز تدریس کردن راهی نداری).

آن حضـرت مرا شـفا داد و بینایی‌ام قوی‌تر شد و قلمی به من بخشـید و فرمود بگیر و با سرعت بنویس. ناراحتی قلبی‌ام را نیز برطرف ساخت. امّا آرزوی حج، شاید به دلیل شرطی که نموده بودم، برآورده نگردید. (۱)

### ب) رسیدن به مقام‌های بلند عرفانی

یکی دیگر از فوایـد ارتباط اسـتمدادی با معصومان، بهره‌منـدی از فیوضات معنوی آنان، برای رسـیدن به مقامات بلنـد عرفانی است؛ زیرا به اعتراف همه سلسله‌های عرفان و تصوف در جهان اسلام، اهل بیت

---

۱- علی رفیعی، بر ستیغ نور، صص ۸۱- ۸۳.

پیامبر(ع) سرآمد عارفان بوده‌اند؛ به‌طوری که از بیست و پنج فرقه عرفانی فقط یک فرقه به دیگران منتسب است و بقیه فرق خود را وامدار علی(ع) و سایر امامان که علم عرفان را از رسول خدا(ص) گرفته‌اند می‌دانند.

از سوی دیگر، بر اساس معارف برگرفته از قرآن و سنت، ارتباط صالحان و پاکان، به ویژه پیامبر(ص) و اهل بیت او، با این جهان همچنان برقرار است. به همین جهت می‌توان با استمداد از ارواح پاک آنان راه کمال و سعادت را طی نمود؛ همان‌طور که عارف عامل، شیخ رجب‌علی خیاط در این‌باره می‌گوید:

... غالب مردم نمی‌دانند توسل به اهل‌بیت(ع) برای چیست؟ آنها برای رفع مشکلات و گرفتاری‌های زندگی به اهل‌بیت متوسل می‌شوند؛ در صورتی که ما(اهل سیر و سلوک) برای طی کردن مراحل توحید و خداشناسی باید درِ خانه اهل‌بیت(ع) برویم. راه توحید، صعب(دشوار) است و انسان بدون چراغ و راهنما قادر به طی کردن این راه نیست. (۱)

### ج) شفاعت در قیامت

هنگامی که به ائمه(ع) توسل می‌جوییم و با برقرار کردن

---

۱- محمد محمدی ری‌شهری، کیمیای محبت، ص ۲۰۳.

ارتباط با ایشان می گوییم: «یا وَجِیهاً عِنْدَاللهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللهِ»، به واسطه آنان از خدا درخواست شفاعت می کنیم. در این صورت ممکن نیست که از خوان کرم آن بزرگواران، دست خالی برگردیم و در آخرت از ما شفاعت نکنند.

### د) افزایش ایمان دینی

توسل به انسان‌های معصوم و پاک و بهره‌مندی از نتایج آن، سبب تقویت ایمان دینی خواهد بود؛ زیرا انسان در پی توسل و استمداد از آنان و برآورده شدن حاجات، می‌فهمد که بندگی پروردگار بی‌ثمر نیست، بلکه خداوند عزتی جاودانه به بندگان برگزیده خود می‌بخشد؛ به‌طوری که دیگران نیز از این موهبت بندگی آنان بهره‌مند می‌شوند. آری! خداوند برطرف شدن مشکل و نیازهای انسان به دست چنین بندگان پاکی را زمینه‌ای برای تقویت ایمان قرار داده است.

## ۴. آسیب‌شناسی رابطه استمدادی

### اشاره

ارتباط استمدادی، با وجود آثار فراوان، آفت‌هایی نیز دارد که برخی را از رسیدن به آثار ارتباطی با امامان معصوم(ع) محروم کرده یا به راه‌های انحراف کشانده است. در اینجا به اجمال به بیان آسیب‌ها و موانع می‌پردازیم:

### الف) نداشتن درک درست از مقام امامان معصوم (ع)

خداونـد، برای اینکه مقـام تقرب پیـامبران و ائمه اطهار(ع) نمایانـده شود و دیگران با الگو گرفتن از این خانـدان به سوی اعمال خیر تشویق شوند، به آنان ولایت تکوینی عطا فرمود. ائمه اطهار(ع) با این ولایت، می‌توانند کراماتی را حتی پس از مرگ، از خود ظاهر کننـد. در این میـان، برخی به دلیـل نداشـتن آگـاهی و درک صـحیح از جـاودانگی روح انسـان، به ویژه ارواح مطهر پیامبران و ائمه اطهار(ع)، منکر این مقام معنوی شده‌اند و توسل و استغاثه و طلب حاجت از آنان را کفر و شرک می‌دانند و با این عقیده، خود را از فیض معنوی بندگان پاک خداوند محروم کرده‌اند.

### ب) اعتقاد به استقلال اولیای خدا در فیض‌رسانی

در برابر گروه پیشـین، برخی نیز دچار افراط شده و در حق پیامبران و اهل بیت(ع) غلو می‌کنند و از روی نادانی معتقدند که پیامبران و امامـان معصوم(ع) در فیض‌رسـانی، به خود متکی‌انـد؛ غافل از اینکه آنان واسـطه‌ای برای رسـیدن به فیض الهی‌انـد و از خود هیچ استقلال و تدبیری ندارند و با اذن الهی می‌توانند شفا دهند یا دعایی را اجابت کنند. همچنان‌که خداوند در

ص: ۶۹

قرآن، معجزه‌ها و کرامت‌های حضرت عیسی(ع) را به اذن خویش وابسته دانسته است:

وَ إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَةِ الطَّیْرِ بِإِذْنِی فَتَنْفُخُ فِیهَا فَتَکُونُ طَیْراً بِإِذْنِی وَ تُبْرِئُ الْأَکْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِی وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَی بِإِذْنِی

المائدة، ۱۱۰

و هنگامی که به اذن من از گل، چیزی به صورت پرنده می‌ساختی و در آن می‌دمیدی و به اذن من، پرنده‌ای می‌شد. و کور مادرزاد و مبتلا به بیماری پیسی را به اذن من شفا می‌دادی. و مردگان را به اذن من زنده می کردی.

### ج) فریبکاری

برخی افراد مغرض یا سودجو برای فریب دادن افراد ساده‌دل و رسیدن به اهداف پلید خود، گاهی با برپایی مراسمی، مدعی می‌شوند که یکی از ائمه(ع) به آن مراسم توجه داشته و آن را پذیرفته است. آنان برای اثبات ادعای خویش، به آثار به‌جامانده از دست یا انگشت بر روی پرچم، پرده یا آش‌نذری آن مراسم استناد می کنند. آنها با این ترفند در پی به دست آوردن آبرو و تقدس هستند تا بتوانند به اهداف و مطامع دنیوی خود دست یابند. از این

رو، باید هوشیار بود و هر ادعایی را نپذیرفت و دیگران را نیز در این‌باره راهنمایی کرد.

### د) عقیده به توسل بدون عمل صالح

توسل به امامان معصوم(ع)، در صورتی کارگشا و مفید است که انسان، گفتار خود را با عمل نیک و صالح همراه کند تا بدین وسیله آبرویی نزد آنان به دست آورد وگرنه تنها با تقاضای شفاعت، بدون عمل نیک، راه به جایی نمی‌برد. همچنان که علی(ع) در فرازی از دعای کمیل فرمود: «گناه، مانع اجابت دعاست».

### ه) ناامیدی پس از برآورده نشدن دعا

یکی دیگر از کج‌روی‌ها در این زمینه، ناامیدی نیازمندانی است که پس از توسل به ائمه اطهار(ع) دعای آنان برآورده نشده است. این مسئله، گاه باعث سست شدن پایه‌های اعتقادی فرد می‌شود، در حالی که آن شخص به پیامدهای دعای خویش توجه ندارد. چه بسا برآورده شدن حاجت برای آن شخص، خیر و مصلحتی به دنبال نداشته باشد یا آلوده شدن به گناهی در پی آن باشد. بدین سبب، هر دعا و توسلی به اجابت نمی‌رسد؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

وَ عَسَی أَنْ تُحِبُّوا شَیْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَکُمْ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ(۲۱۶)

البقرة، ۲۱۶

چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیرِ شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرِّ شما در آن است؛ و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید.

### و) توسل، فقط هنگام گرفتاری

برخی فقط هنگام گرفتاری، به امامان معصوم(ع) توسل می‌جویند و پس از برآورده شدن حاجت خود، توجهی به آنها نمی‌کنند مگر آن‌که دوباره به مشکل و گرفتاری دچار شوند. چنین ارتباطی با ائمه(ع)، خود مانعی برای برآورده شدن دعاهای بعدی و آفتی برای ادامه این ارتباط است.

## فصل چهارم رابطه عهد و پیمان با اهل‌بیت (ع)

### ۱. منظور از رابطه عهد و پیمان

#### اشاره

منظور از این ارتباط، حضور آگاهانه بر مزار پاک آنان و تجدید عهد و پیمان با تعالیم و آموزه‌های زندگی ایشان و پای‌بند بودن به آن است. امام رضا(ع) در این‌باره فرمود:

برای هر امامی، عهد و پیمانی با شیعه وی است که وفای کامل به عهد و ادای نیکوی آن، زیارت قبور آنان است. پس کسی که آنان را با شوق و میل و تصدیق آنچه ائمه بدان تمایل داشته‌اند زیارت کند،(ایشان) شفاعت کننده وی در روز قیامت خواهند بود. (۱)

---

۱- محمد بن محمد نعمان(شیخ مفید)، مقنعه، ص ۴۸۶.

### حقیقت زیارت

در این باره، یکی از اندیشمندان اسلامی حقیقت زیارت را این گونه توصیف کرده است:

زیـارت، حضور عارفانه عاشق در دیار معشوق، دیـدار عاشـقانه زائر از سـرای مزور، اظهار عشق و ارادت محب به محبوب، دل دادن صمیمانه دلداده در کوی دلدار، سر سپردن سرباز فداکار در پیش پای سردار، اعلان فروتنی دین‌دار در برابر دین و پیشوایان دینی و اذان ایمـان و دین‌داری است. زیـارت، عرضه خویشـتن بر ترازو و ابزار سـنجش است، ایسـتادن در برابر آینه و معیـار کمال و نشانی کوی کمال به انسانِ تعالی‌طلب است که به کجا می‌توان رسـید. زیارت، سـفری مشـتاقانه، آگاهانه و عاشـقانه است که از سرای دل آغاز می‌شود، از راه دل عبور می‌کند و سرانجام نیز در منزل دل به مقصد و مقصود می‌رسد و بار بر زمین می‌نهد. (۱)

## ۲. شیوه‌های زیارت

### اشاره

این گونه ارتباط به دو روش انجام می‌شود که در روایت‌ها نیز بر آن تاکید شده است:

---

۱- عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۱۷.

## الف) حضور در سر مزار ائمه (ع)

رسول خدا(ص) فرمود:

کسی که پس از مرگم به زیارتم بیاید، همانند آن است که در زمان حیاتم به دیدارم آمده باشد و کسی که قبرم را زیارت کند، در روز قیامت شفاعت او بر من واجب می‌شود. (۱)

در سخن دیگر، فرمود:

کسی که حج به جای آورد، ولی مرا زیارت نکند، [برای زیارت من به مدینه نیاید] به من جفا کرده است. (۲)

در ادامه، داستانی از بلال حبشی می‌آوریم:

وی پس از رحلت پیامبر(ص) در شام ساکن شد. شبی در عالم رؤیا پیامبر(ص) را به خواب دید که به او فرمود: ای بلال! این چه جفایی است که در حق من کرده و به زیارتم نمی‌آیی. بلال ترسان و پریشان از خواب برخاست و سوار بر مرکب شد و عزم مدینه کرد. وقتی نزد قبر پیامبر(ص) رسید، اشک از دیدگانش سرازیر شد. صورت خود را بر خاک قبر پیامبر(ص) گذاشت. در این هنگام حسن و حسین(ع)

---

۱- الغدیر، ج ۵، ص ۱۰۴.

۲- علی متقی هندی، کنزالعمال، ج ۵، ص ۱۳۵.

نزدش آمدنـد. بلال آن دو را در بغل گرفت و بوسید. آن دو گفتنـد: ای بلال! دوست داریم اذانت را بشـنویم. بلال شـروع به اذان گفتن کرد. هنگـامی که گفت: الله اکبر، مـدینه به شـدت بر خود لرزیـد و هنگامی که گفت: اشـهد ان لا اله الّا الله، مـدینه به جنبش درآمــد و وقـتی کـه گفـت: اشــهد انّ محمــداً رسـول الله، نوجوانـان و همـه مردم از خانه‌هـا بیرون ریختنــد و گفتنـد: رسـول خـدا برانگیخته(دوباره زنده) شد. به علت شدت گریه زن و مرد، مدینه از آن روز گریان‌تر، به خود ندید. (۱)

فقیهان اهل سنت با استناد به آنچه گذشت، بر استحباب زیارت قبر پیامبر(ص) تأکید ورزیده‌اند.

ابوالحسن ماوردی، از فقیهان اهل سنت، می گوید:

هنگامی که سرپرست حجاج می‌خواهـد آنها را بازگردانـد، آنان را از راه مـدینه برای زیارت قبر رسول خـدا(ص) ببرد تا میان حج بیت‌الله و زیـارت قبر رسول خـدا و رعایت حرمت آن حضـرت و قیام به حقوق طاعتش جمع نمایـد. اگر این کار از واجبات شـرعی نباشد از مستحبات شرعی است و از عادات نیکوی حاجیان است؛ زیرا نافع از پسر عمر نقل

---

۱- محمد بن مکرم بن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ج ۵، ص ۳۳۷.

کرده است که پیامبر(ص) فرمود: کسی که قبرم را زیارت کند، شفاعتم بر او واجب می‌شود. (۱)

در روایـات، علاـوه بر زیـارت قبر مطهر پیامبر(ص)، بر زیارت بارگاه دیگر ائمه(ع) نیز بسـیار تأکیـد شـده است. ابوعامر واعظ، اهل حجاز، می گوید:

روزی نزد امام صادق(ع) آمده و عرض کردم: برای زائر قبر امیرالمؤمنین(ع) چه ثوابی است؟ فرمود: ای ابوعامر! پدرم از پدرانش(و ایشان) از علی(ع) نقل کردهانـد که پیامبر(ص) به وی فرمود: ای علی! به خـدا سوگند! که در سـرزمین عراق کشـته شده و در همان جـا دفن خواهی شـد. گفتم: ای رسول خـدا! ثواب کسـی که قبور مـا را زیارت کنـد و با رفت و آمـد،(آنجا را) آباد کنـد، چیست؟ فرمود: ای ابوالحسن! همانا خداوند، قبر تو و فرزندانت را مکانی والا از مکان‌های بهشت و صـحنی از صـحن‌های آن قرار داده است و قلوب افراد پارسا و برگزیده از بندگانش را به سوی شـما متمایل ساخته است که در راه شما سختی‌ها و دشواری‌ها را تحمل کرده تا قبور شما را آباد کنند تا به خدا تقرب جویند و محبت خود را به رسول او نشان دهند. اینان به

---

۱- علی بن محمد ماوردی، احکام السلطانیه، ص ۱۰۹.

زیارت قبور شما فراوان می‌شتابند. ایشان کسانی هستند که شفاعتشان خواهم کرد و بر سر حوض(کوثر) بر من وارد شده و روز قیامت زائران من هستند. ای علی! کسی که قبور شما را آباد کند و به آنجا رفت و آمد کند، همانند آن است که سلیمان بن داود را در ساختن «بیت المقدس» یاری کرده است و کسی که قبور شما را زیارت کند، معادل هفتاد حج مستحبی پاداش برایش منظور می‌شود و همانند روزی که از مادر متولد شده، وقتی از زیارت بازگردد، از گناهانش خارج می‌شود. (۱)

زیارت مرقد پیامبر(ص) و فرزندان پاکش، از مستحبات مؤکد دینی است که بی‌توجهی به آن، ترک ادب و جفای به آنان است. از این‌رو، عالمان دین، همواره به این امر توجه ویژه‌ای داشتند. در شرح حال امام خمینی گفته‌اند:

امام در طول مدت چهارده سالی که در نجف اشرف اقامت داشتند، هر شب سه ساعت بعد از غروب آفتاب، در تمام فصول سال به قصد زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) از منزل خارج می‌شدند و مسافت

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۳.

بین خانه تا صحن مطهر را به طور پیاده در حدود هفت دقیقه طی می‌کردند. از در قبله وارد صحن شده و به حرم مشرف می‌شدند و پایین پای حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) می‌ایستادند، زیارت «امین الله» را می‌خواندند و از پایین پا به پشت سر(حضرت) می‌رفتند و نماز زیارت و معمولاً زیارت «جامعه کبیره» را به طور نشسته می‌خواندند. (۱)

## آداب زیارت

به حضور افراد پاک مشرّف شدن و در محضر بزرگان دین و رهنمایان حق حاضر شدن، آداب و شرایطی دارد که در این قسمت، به مهم‌ترین آن اشاره می‌کنیم:

- پیش از زیارت، غسل کند تا از آلودگی‌های تن و روح پاکیزه شود؛
- ظاهرش را بیاراید و زیباترین و تمیزترین لباس را بر تن کند؛
- خود را خوش بو و معطر سازد؛
- با سکینه و وقار و فروتنی گام بردارد تا بدین وسیله، خدا و زیارت‌شونده را تعظیم کرده باشد؛

---

۱- محمدحسین رحیمیان، در سایه آفتاب، ص ۳۷.

– به تهی‌دستان در حدّ توان تصدق کند؛

– هدف از زیارت، عبادت و تعظیم و تقدیس حق تعالی است، پس، همواره ذکر «الله اکبر» را تکرار کند و بهتر است، صد بار بگوید؛

– پس از فراغت از زیارت، دو رکعت نماز گزارد تا شکر حق را در توفیق به چنین کاری، یعنی تعظیم و تکریم نبی(ص) یا وصی او(ع) به جای آورده باشد و ثواب آن را به زیارت‌شونده هدیه کند. (۱)

## ب) زیارت از راه دور

یکی دیگر از راه‌های ارتباط، ابراز ارادت، با درود و سلام فرستادن بر ایشان و خواندن زیارت‌نامه است. از پیامبر(ص) نقل شده است:

کسی نیست که بر من سلام کند، مگر اینکه خداوند روحم را به من باز می‌گرداند تا جوابش را بگویم. (۲)

در جای دیگر فرمود:

در روز جمعه، زیاد بر من صلوات بفرستید؛ زیرا صلوات شما بر من عرضه می‌شود. گفتند: ای

---

۱– محمدرضا مظفر، عقائد الامامیه، ص ۱۰۳.

۲– یحیی بن شرف الدین نووی، ریاض الصالحین، ص ۳۴۲.

رسول خدا! چگونه، در حالی که زیر خاک پوسیده و متلاشی شده‌ای؟ فرمود: خداوند پوسانیدن بدن مرا بر زمین حرام کرده است. خداوند بر زمین حرام کرد که اجساد انبیا را ببلعد [و نابود سازد]. (۱)

و فرمود:

زنده بودنم برای شما خیر است؛ زیرا با هم گفت‌وگو می‌کنیم و هر چه می‌خواهید می‌پرسید و مرگ من نیز برای شما خیر است؛ زیرا(پس از مرگم) اعمال شما بر من عرضه می‌شود. اگر کار شما، نیک بود، سپاس خدا را به جای می‌آورم و اگر کار شما ناشایست بود، برای شما طلب استغفار می‌کنم. پس(شما هم) هرگاه بر من صلوات می‌فرستید، نیکو بفرستید؛ زیرا اسم‌های شما و پدرانتان و سخنان و اعمالتان بر من عرضه می‌شود. (۲)

در روایت دیگری نقل شده است که حنان بن سدیر صیرفی بر امام صادق(ع) وارد شد. امام فرمود: ای حنان! آیا در هر ماه یک بار به زیارت قبر امام حسین(ع) می‌روی؟ گفت: نه. پرسید: در هر دو ماه چطور؟ گفت: نه. فرمود: در هر سال چطور؟ گفت: نه. امام فرمود: چه

---

۱- تفسیر کشف الاسرار، ج ۸، ص ۸۶.

۲- همان، ص ۸۵.

چیز سبب جفای شما بر آقایتان شده است؟ ابن سدیر گفت: ای فرزند رسول خدا! زاد و توشه‌ام کم و مسافتم تا قبر حسین(ع) دور است.

حضرت فرمود: آیا نمی‌خواهی زیارتی به تو نشان دهم که با دوری راه نیز پذیرفته شود؟

ابن سدیر گفت: آری! چگونه او را با دوری مکانم زیارت نمایم؟

حضرت فرمود: در روز جمعه و یا هر روزی که خواستی غسل(زیارت) کن و پاکیزه‌ترین لباست را بپوش و به پشت‌بام خانه‌ات یا به سوی صحرا برو. آن‌گاه به قبله و جهتی که قبر(حسین(ع)) در آن است رو کن؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «به هر جهت رو آورید، وجه الله در آن جهت است» (۱). سپس بگو:

السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَ ابْنَ مَوْلایَ وَ سَیِّدِی وَ ابْنَ سَیِّدِی السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ الشَّهِیدَ بْنَ الشَّهِیدِ وَ الْقَتِیلَ بْنَ الْقَتِیلِ ... (۲)

## ۳. آثار زیارت ائمه (ع)

زیارت ائمه هدی، آثار و برکات فراوانی برای مسلمانان به همراه دارد که به اجمال برمی‌شماریم:

---

۱- بقره: ۱۱۵.

۲- تفسیر کشف الاسرار، ج ۱۴، ص ۵۸۰.

الف) عامل گسترش فرهنگ توحیدی و ولایت اهل بیت(ع) میان شیعیان؛

ب) زنده‌کننده سجایای اخلاقی ائمه(ع) و جهاد و تلاش آنان در راه حق؛

ج) عامل ایجاد اتحاد و دوستی میان مسلمانان سرزمین‌های گوناگون در یک مکان؛

د) ارتباط و پیوستگی جامعه مسلمانان با نسل‌های گذشته، به ویژه با پاکان امت؛

ه) استمرار حیات علمی و معنوی صاحبان کمال و رشد علمی و معنوی جامعه؛

و) منشأ قیام در برابر ستم و محل پیمان‌بستن جهادگران. (۱)

## ۴. آسیب‌شناسی ارتباط عهد و پیمان

### اشاره

آسیب‌هایی که سلامت این نوع ارتباط را تهدید می‌کند، عبارت‌اند از:

#### الف) نداشتن معرفت به مقام امامان معصوم (ع)

نداشتن درک صحیح از مقام امامان معصوم(ع) در نزد خدا و تلاشی که آنان در راه اعتلای دین و

---

۱- محمدرضا مظفر، عقایدالامامیه، ص ۱۰۲؛ عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، صص ۲۳- ۲۶.

مکتب داشته‌اند، سبب محرومیت ارتباط حقیقی با امامان معصوم(ع) می‌شود. از این‌رو، در روایت‌ها بر زیارتِ با معرفت تأکید فراوان شده است.

امام صادق(ع) به هارون بن خارجه فرمود:

ای هارون هر کس به زیارت قبر حسین(ع) با شناخت حق او و برای رضای خدا و پاداش آخرت برود، خداوند گناهان گذشته وآینده‌اش را خواهد بخشید. (۱)

### ب) رفتار نابخردانه در سر مزار امامان معصوم (ع)

آفت دیگری که مانع کسب فیض از قبور امامان است و حتی گاه باعث زیر سؤال رفتن مکتب و مذهب می‌شود، کارهایی همچون حضور مختلط زن و مرد در کنار ضریح، هجوم آوردن به ضریح، به سجده افتادن در برابر ضریح یا سینه‌خیز رفتن به سوی ضریح، قفل زدن یا گره زدن به ضریح، خاک برداشتن از بقیع، و مانند آن است. این حرکت‌ها نه تنها تعظیم شعائر نیست، بلکه بهانه به دست مخالفان می‌دهد تا به پیروان اهل بیت(ع) تهمت بزنند و آنان را غالی و مشرک بخوانند.

---

۱- وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۸.

ص: ۸۳

### ج) بی‌توجهی به اهداف زیارت

از دیگر آسیب‌های زیارت، غفلت از فرهنگ زیارت و بی‌توجهی به آداب آن و اشتباه گرفتن آن با سفرهای سیاحتی و مشغول شدن در بازارهای اماکن زیارتی و از دست دادن فرصت کسب بهره معنوی است.

## کتابنامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۱. اثبات الهداة، محمد بن حسن حر عاملی، قم، انتشارات علمیه، بی‌تا.

۲. الاحکام السلطانیه، علی بن محمد ماوردی، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۶ ه. ق.

۳. ادب فنای مقربان، عبدالله جوادی آملی، چاپ دوم، قم، اسراء، ۱۳۸۱ ه. ش.

۴. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ه. ش.

۵. اهل البیت فی الکتاب و السنة، محمد محمدی ری شهری، چاپ دوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹ ه. ش.

۶. دفتر عقل و آیت عشق، غلامحسین ابراهیمی دینانی، چاپ دوم، تهران، نشر نو، ۱۳۸۲ ه. ش.

۷.

ص: ۸۵


۸. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، چاپ دوم، بیروت، مؤسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق.

۹. بحوث فی الملل و النحل، جعفر سبحانی، چاپ اوّل، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲ ه. ش.

۱۰. بر ستیغ نور، علی رفیعی، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۵ ه. ش.

۱۱. تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

۱۲. تحریرالوسیله، روح الله [امام] خمینی، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.

۱۳. ترجمه و شرح اصول کافی، سید جواد مصطفوی، چاپ چهارم، تهران، علمیه اسلامیه، بی‌تا.

۱۴. تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، چاپ شانزدهم، قم، صدرا، ۱۳۶۸ ه. ش.

۱۵. تفسیر ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر دمشقی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ه. ق.

۱۶. تفسیر ارشاد عقل السلیم، محمد بن محمد ابی السعود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۱۷. تفسیر روح‌البیان، اسماعیل حقی بروسوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۳۷ ه. ق.

۱۸. تفسیر فتح البیان، صدیق حسن خان قنوجی، بیروت، مکتب العصریه.

۱۹.

ص: ۸۶


۲۰. تفسیر کشاف، جارالله زمخشری، چاپ چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ ه. ق.

۲۱. تفسیر کشف الاسرار، رشید الدین ابوالفضل میبدی، تهران، امیرکبیر، بی‌تا.

۲۲. تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، چاپ اول، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۷ ه. ق.

۲۳. تفسیر مفاتیح الغیب، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ه. ق.

۲۴. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، چاپ بیست و چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ه. ش.

۲۵. تهذیب الاحکام، محمدبن حسن طوسی، چاپ اوّل، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۵ ه. ق.

۲۶. تهذیب التهذیب، احمد بن حجر عسقلانی، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.

۲۷. ثواب الاعمال، محمدبن علی بن بابویه(شیخ صدوق)، چاپ دوم، قم، منشورات شریف رضی، ۱۳۶۸ ه. ش.

۲۸. جاذبه و دافعه علی(ع)، مرتضی مطهری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.

۲۹. جامع الصغیر، جلال الدین سیوطی، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ه. ق.

۳۰.

ص: ۸۷


۳۱. خصال، محمدبن علی بن بابویه(شیخ صدوق)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ه. ش.

۳۲. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، چاپ هفتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ ه. ش.

۳۳. الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، چاپ اوّل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ه. ق.

۳۴. در سایه آفتاب، محمد حسن رحیمیان، چاپ اوّل، قم، پاسدار اسلام، ۱۳۷۱ ه. ش.

۳۵. در محضر علامه طباطبایی، محمد حسین رخشاد، چاپ اوّل، قم، سماء، ۱۳۸۱ ه. ش.

۳۶. ریاض الصالحین، یحیی بن شرف الدین نووی، چاپ چهارم، بیروت، دار الکتب العربیۀ، ۱۴۲۱ ه. ق.

۳۷. زنده عشق، محمود شهابی، چاپ اوّل، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ ه. ش.

۳۸. شئون و اختیارات ولی فقیه، روح الله [امام] خمینی، چاپ اوّل، تهران، ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ه. ش.

۳۹. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۷ ه. ق.

۴۰. صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق.

۴۱. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری، چاپ اوّل، بیروت، دارالحدیث، ۱۴۱۲ ه. ق.

۴۲.

ص: ۸۸

۴۳. صحیفه امام، روح الله [امام] خمینی، چاپ اوّل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷ ه. ش.

۴۴. صحیفه نور، روح الله [امام] خمینی، چاپ اوّل، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴ ه. ش.

۴۵. الصواعق المحرقه، احمد بن حجر هیتمی، قاهره، میمنیه، بی‌تا.

۴۶. عقاید الامامیه، محمد رضا مظفر، شریف رضی، قم، بی‌تا.

۴۷. عقدالدرر فی اخبار المنتظر، یوسف مقدسی شافعی، چاپ اوّل، قاهره، مکتبهٔ عالم الفکر، ۱۳۹۹ ه. ق.

۴۸. الغدیر، علامه امینی، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ه. ش.

۴۹. قواعد المرام، ابن میثم بحرانی، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۴ ه. ش.

۵۰. الکشف و البیان، احمد بن ابراهیم ثعلبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ه. ق.

۵۱. کمال الدین، محمدبن علی بن بابویه(شیخ صدوق)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ه. ش.

۵۲. کنزالعمال، علی متقی هندی، بیروت، مؤسسهٔ الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق.

۵۳. کیمیای محبت، محمد محمدی ری شهری، چاپ دهم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ ه. ش.

.۵۴

ص: ۸۹


۵۵. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین علی هیثمی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه. ق.

۵۶. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، چاپ پنجم، قم، صدرا، ۱۳۸۱ ه. ش.

۵۷. مختصر تاریخ دمشق، محمد بن مکرم بن منظور، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ه. ق.

۵۸. المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، چاپ اوّل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ه. ق.

۵۹. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، چاپ سوم، تهران، انتشارات اسوه، بی‌تا.

۶۰. المقنعه، محمد بن محمد بن نعمان(شیخ مفید)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ه. ق.

۶۱. منتخب الاثر، لطف‌الله صافی، چاپ اوّل، بی‌جا، مطبعة السلمان، ۱۴۲۲ ه. ق.

۶۲. میر مهر، مسعود پورسیدآقایی، چاپ اول، قم، حضور، ۱۳۸۲ ه. ش.

۶۳. نوادرالاخبار، محسن فیض کاشانی، چاپ اوّل، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰ ه. ش.

۶۴. نور الثقلین، علی بن جمعه حویزی، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ه. ق.

۶۵.

ص: ۹۰

۶۶. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، چاپ اوّل، قم، مؤسسهٔ آل البیت، ۱۴۱۲ ه. ق.

۶۷. وفاء الوفاء، نورالدین علی بن عبدالله بن احمد سمهودی، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ ه. ق.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بندهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹